

# حقیقت

نشریه روزانه هشتمین جشنواره بین المللی  
فیلم مستند ایران / سینما حقیقت - شماره هفتم - شنبه ۱۵ آذر ماه ۱۳۹۳

CINEMA VERITE IRAN INTERNATIONAL DOCUMENTARY  
FILM FESTIVAL.No.7.SAT,6<sup>TH</sup> DEC.2014

## مهمانان فرهیخته

منوچهر طیباب و مسجد جامعی  
در ششمین روز جشنواره حاضر شدند



حامد خورشیدی / نشریه روزانه

## استعدادهای ایرانی بی نظیرند

محمود کلاری مهمان ویژه نشریه روزانه از  
سینمای مستند و تجربیاتی در این عرصه گفت



کات 7 CUT

پرونده امروز  
بررسی مستندهای روز تندی

سوت آغاز

## به دنبال رفع نیازهای جدید

گفت و گویا علیرضا قاسم خان  
معاون پژوهشی مرکز گسترش  
6

## چه کسی برنده می شود

نامزدهای دریافت جایزه  
جشنواره حقیقت معرفی شدند  
16

## آهسته اما انسانی و زیبا

گپی با داریودی بلاسی مدیر  
موزه مردم شناسی ایتالیا  
15





# خسته نباشید!

تنها یک روز تا پایان هشتمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت باقی مانده است



داوری‌ها دانست. در مجموع و فارغ از این مسئله اما بازار رکوردشکنی در زمینه جذب مخاطب تا دیروز نیز داغ داغ بود. روز ششم جشنواره اگرچه از نیمه رسمیت پیدا کرد و اکران آثار از ساعت ۱۴:۳۰ آغاز شد اما خیلی زود سانس‌های عصرگاهی شاهد حضور پر شور مخاطبان بود. «آیدا در آینه شاملو»، «زمان به وقت موسیو ستبون»، «ققنوس»، «زنان فرماندار» و به خصوص «آقای بیگار» آثاری بودند که مخاطبان بسیاری را از عصر تا پاسی از شب مهمان سینما فلسطین کردند.

## روز سپیده

اما این رکوردشکنی تنها به کاخ جشنواره محدود نماند و اکران دو فیلم تحسین شده که اتفاقاً در جدول نامزدهای جشنواره هم رکورددار شده‌اند سالن اصلی این سینما را مملو از جمعیت کرد. اکران «چنارستان» و «آتلان» رکورد حضور مخاطب در سینما سپیده را هم دستخوش تغییرات کرد. این سینما امروز هم فیلم‌های مهمی را در جدول اکران دارد که می‌توانند این رکورد را در روز پایانی جشنواره جابه‌جا کنند.

کمتر از ۲۴ ساعت دیگر زنگ پایان مارتن هشت روزه مستندسازان در بزرگ‌ترین رویداد سینمای مستند به صدا در می‌آید و با برگزاری اختتامیه جشنواره «سینماحقیقت» برگ دیگری از کارنامه این جشنواره ورق خواهد خورد. اعلام اسامی نامزدهای بخش‌های مختلف هم اندکی با زار گمانه‌زنی پیرامون برترین‌های این دوره را گرم‌تر از قبل کرده است. فارغ از اینکه فردا شب کدام مستندساز با چه جایزه‌ای به خانه بازمی‌گردد، بی‌تردید خاطرات شیرین و لحظه‌های نابی که در این هشت روز در حافظه جمعی ما به ثبت رسید، بزرگ‌ترین دستاورد این رویداد برای همه حاضران اعم از فیلمسازان و مهمانان خواهد بود.

## همه‌همه در نیمروز

با توجه به جدول اکران آثار در دو سینمای فلسطین و سپیده کلیه آثار حاضر در بخش‌های مختلف جشنواره هشتم حداقل یک بار تجربه اکران جشنواره‌ای را پشت سر گذاشته‌اند. تجربه‌ای که بیره نیست اگر حاصل آن را به دلیل ارتباط بی‌واسطه فیلمساز با مخاطب، ارزشمندتر از نتایج

## فاکتورهای دمه در نمایش مستند

کسی که مستند می‌سازد رابطه بی‌واسطه‌ای با جامعه و واقعیت دارد؛ رابطه‌ای که طبیعتاً نوع ارتباط فیلمساز را با اثر به نسبت فیلم‌های داستانی، متفاوت می‌کند. به همین دلیل هم موقعیت سینمای مستند موقعیت حساس‌تری نسبت به سینمای داستانی است و به تبع آن حساسیت روی فیلم مستند هم بیشتر است. علاوه بر این به دلیل مسئولیتی که بر دوش مستندساز است در هیچ دوره زمانی، میزان تولید فیلم مستند به اندازه سینمای داستانی نبوده و در نهایت علاوه بر همه این سختی‌های مستندسازی، در عرضه فیلم مستند و همینطور به لحاظ محدودیت‌های آن مشکلاتی وجود دارد که از ارتباط بی‌واسطه فیلمساز با واقعیت ناشی می‌شود. در داوریهایی که برای جشنواره‌های مختلف دارم نگاهم شدیداً به مضمون و موضوع، حساس است. در واقع اگر در موقعیتی مساوی برای قضاوت قرار داشته باشم، انتخاب موضوع و زاویه نگاه فیلمساز به موضوع برایم اهمیت دارد. زاویه ورود مستندساز به موضوع و تلاش فیلمساز برای رسیدن به ساختار مناسب؛ اصل موضوع است و در اولویت داوریه من قرار دارد. یعنی اگر دو مستند پیش رویم باشد، که یکی روی ساختار مانور داده و دیگری در مضمون قوت دارد، قطعاً دومی بیشتر نظرم را جلب می‌کند.

متأسفانه فاکتورهایی هم که برای نمایش فیلم‌های مستند وجود دارد فاکتورهای دمه شده‌ای است. سینمای مستند باید در دل جامعه باشد. نباید به دلیل اینکه مخاطب خاص دارد کلاً عرضه نشود. اگر سینمای مستند امکان پخش درست داشته باشد طبیعتاً مخاطب خودش را هم پیدا می‌کند. اگر بخواهیم شرایط مساوی برای اکران فراهم کنیم قطعاً سینمای مستند هم می‌تواند مخاطب زیادی جذب کند. نمی‌توانیم توقع داشته باشیم که فیلم مستند دائماً در سینماها اکران شود؛ هیچ جای دنیا چنین اتفاقی نمی‌افتد اما باید مثل کشورهای دیگر نمایش فیلم مستند را به عنوان یک جریان مستمر در مراکز فرهنگی و در شبکه ویدئویی راه‌بندازیم. اگر این فیلم‌ها از طریق نمایش خانگی و پخش ویدئویی در دسترس باشد، مخاطب خود را پیدا می‌کند. باید مراکزی وجود داشته باشد که جهت‌گیری‌شان در تداوم جذب مخاطب باشد نه انبوهی مخاطب.



فیلمساز  
رخشان بنی‌اعتماد



## داستان یک تیزر

روایت مرتضی پایه‌شناس، از طراحی و کارگردانی تیزر جشنواره هشتم

تیزر کوتاه دو سفر به نیشابور داشتیم تا بتوانیم به رغم مشکلاتی که وجود داشت صحنه‌های مربوط به معدن فیروزه را در معدن «فیروزه نیشابور» ضبط کنیم. حاصل این تلاش‌های راش‌های متنوعی است که پس از تدوین نهایی به نتیجه‌ای که امروز شاهد هستیم تبدیل شد. ساختار همان ساختاری بود که از ابتدا در نظر داشتیم اما در اجرا از مراحل مختلف استخراج سنگ از رگه‌های سنگ فیروزه در معدن گرفته تا تلاش‌های سنگ تراشان برای صیقل نهایی تصاویر متنوعی ضبط کردیم و در مرحله تدوین نهایی به این تصاویر و ریتم فعلی رسیدیم که خوشبختانه گویا ترکیب نهایی تصاویر مورد توجه قرار گرفته است. در حال حاضر مشغول طراحی و ساخت آیت‌های معرفی هیات‌های انتخاب و داوریه جشنواره سینما حقیقت برای اختتامیه هشتمین دوره هستیم و امیدوارم حاصل این کار که تلاش دارم کاری متفاوت از دیگر کارهای باشد هم مورد توجه مستندسازان و مهمانان جشنواره هشتم سینما حقیقت قرار بگیرد.

سال گذشته ساخت تیزر جایزه شهید آوینی به بنده واگذار شده بود و پس از ساخت و احتمالاً به دلیل رضایت، دوستان مرکز گسترش ساخت تیزر جشنواره سینما حقیقت امسال را هم به بنده پیشنهاد دادند. رویکرد اصلی هم این بود که تیزری در همان حال و هوای تیزر سال گذشته تولید شود. جلسات متعددی برگزار شد و با مشاوره و گفت‌وگو با آقای صفاجو و همکارانشان بنا بر این گذاشته شد که در ساخت این تیزر بر روی نشان فیروزه جشنواره متمرکز شویم. بعداً در گفت‌وگوهایی این سوژه را پرورش دادیم تا به جمع‌بندی مشخصی از کلیت تیزر رسیدیم.



از زمان قطعی شدن این طرح تا زمانی که کار کلید خورد و نتیجه نهایی آن آماده شد نزدیک به ۴۰ تا ۴۵ روز زمان صرف شد. شاید جالب باشد بدانید که نزدیک به ۹۰ درصد صحنه‌های تیزر رئال و واقعی است و در لوکیشن‌های واقعی ضبط شده است. برای ساخت این

## ملاقات با تجربه

در ادامه برنامه نشست گفت و گوی صمیمانه با پژوهشگران و مستندسازان پیشکسوت عصر دیروز منوچهر طیب به سینما فلسطین آمد تا مهمان ویژه ششمین روز هشتمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت باشد. طیب که کارگردانی نزدیک به ۱۵ فیلم مستند را در کارنامه حرفه‌ای خود دارد، دانش آموخته رشته معماری از دانشگاه فنی وین و تحصیل کرده رشته کارگردانی سینما و تلویزیون و طراحی صحنه از دانشکده سینمایی آکادمی دولتی موسیقی و هنرهای نمایشی وین است. این مستندساز با سابقه عصر دیروز ضمن حضور در غرفه واحد تحقیقات و پژوهش مرکز گسترش به گفت و گو و تبادل تجربه با مستندسازان پرداخت.



## سیاسیون هم آمدند



حالا دیگر با قطعیت بیشتر می‌توان گفت «همه آمدند». اگر تا پیش از این تنها استنادمان به چهره‌های شاخص فرهنگی و هنری بود حالا با رجوع به فهرست مهمانان روز گذشته جشنواره می‌توان دایره مهمانان را اندکی گسترده‌تر کرد. در ششمین روز جشنواره پای اهالی سیاست هم به جمع مستندسازان باز شد. چراغ اول را البته پیش‌تر نماینده‌های مجلس روشن کرده بودند که روز چهارشنبه برای رونمایی از فیلم «آزادراه» به سینما سپیده آمده بودند. روز گذشته اما حضور احمد مسجد جامعی رئیس پیشین شورای اسلامی شهر و فائزه هاشمی برای رونمایی فیلم مستند «زنان فرماندار» ساخته مژگان اینانو جلوه حضور سیاسیون در جمع مستندسازان را پررنگ‌تر کرد. فیلم مستند «زنان فرماندار» با تمرکز بر تصدی سه پست کلیدی در استان سیستان و بلوچستان توسط زنان به مقوله حضور این بانوان در میدان‌های کلیدی امور اجرایی پرداخته است. گزارش یک باز پرس «هم از دیگر فیلم‌هایی بود که پای برخی چهره‌های سیاسی و مسئولان قوه قضائیه را به جشنواره باز کرد.

اتفاق روز

## مهمانان مشغوف

یکی از صحنه‌هایی که به صورت متناوب و به خصوص در نشست‌های نقد و بررسی فیلم‌ها در یک هفته برگزاری جشنواره سینما حقیقت شاهدش بودیم اظهار شعف و خوشحالی مهمانان جشنواره بود. نه فقط مهمانان داخلی که مستندسازانی از کشوری دیگر با تازه‌ترین جشن آثارشان خود را به بزرگ‌ترین جشن مستندسازان ایرانی رسانده بودند تا سهمی در این رویداد بین‌المللی داشته باشند. اغلب این مستندسازان که به واسطه حرفه‌شان کنجکاو متفاتی برای شناخت ایران و مستندسازان آن دارند، حضوری فعال در جشنواره دارند و وجه مشترک پاسخ‌شان به این سوال که چه حس و حالی از حضور در این جشنواره دارید این عبارات است: «واقعاً خوشحال و شگفت‌زده‌ام.» «دیگر نکته جالب درباره این طیف از فیلمسازان حضور جدی و پیگیر آنها در برنامه «شب‌های نقد» به خصوص برای فیلم‌های خودشان بود. برای برخی از این فیلمسازان حتی قرار گرفتن در چنین موقعیتی در حضور منتقد و بحث و گفت‌وگو درباره آثار تازگی داشت و این نیز به جذابیت‌های حضور آنها در هشتمین جشنواره بین‌المللی «سینما حقیقت» افزوده بود.

## سینما - کتاب



طبقه همکف سینما فلسطین این روزها مملو از جمعیت است. درهای سالن اصلی در این طبقه است و مشخصاً در لحظات منتهی به هر سانس خیل مشتاقان برای تماشای فیلم مورد علاقه‌شان در این محدوده به صف می‌شوند. در میانه این شلوغی اما در محدوده‌ای خاص سرعت آید و کمتر است و افراد با تأمل بیشتر عبور می‌کنند. کافیسست کمی دقت کنید تا متوجه قفسه‌های کتاب قرار گرفته در این محدوده شود. بله اینجا فروشگاه کوچکی است که به همت یک کتابدوست و با همراهی و حمایت مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی به عنوان یکی از بخش‌های جنبی جشنواره امسال برپا شده است. نمایشگاه کتاب‌های تخصصی در حوزه سینما و فیلم مستند که این کتب را با تخفیف ۱۰ درصدی ویژه نمایشگاه به مهمانان جشنواره ارائه می‌دهد. نکته جالب اینکه دو طیف مستندسازان جوان ایرانی و فیلمسازان خارجی از مشتریان اصلی این نمایشگاه کوچک کتب سینمایی در روزهای برگزاری جشنواره بوده‌اند.

خبر روز



■ جلال ویسی  
فیلم محبوب

فیلم محبوب «قاشق» به کارگردانی او امروز ساعت ۱۷:۳۰ در سپیده اکران می‌شود. این فیلم هم احتمالاً در این سینما کوردشکن خواهد شد.



■ شمس لنگرودی  
دیدار دوباره

«سخت مثل آب» روایتی از زندگی محمد شمس لنگرودی است، فرصت تماشای این مستند را در سانس ۱۵:۳۰ سینما سپیده از دست ندهید.



■ مجتبی میرطهماسب  
روایت شش قرن

برای آن دسته از مخاطبانی که هنوز «شش قرن و شش سال» را ندیده‌اند؛ امروز ساعت ۱۶ سالن اصلی سپیده آن را نمایش می‌دهد.

تجربها



## Phenomena's Night

The review meeting of the sixth day of the Cinema Verite film festival was held by the presence of Shahin Amin as film critic. During these sittings, six films were reviewed including 'It Is What It is', 'Dream Knitters', 'Dance of Maize God'. The latter's director, David Lebrun said that coming to Cinema Verite festival has brought him a unique, wonderful experience.



## شب‌پدیده‌ها

در نشست نقد و بررسی فیلم‌های فیه‌ما فیه، بافندگان خیال و رقصندگان خداوندگان مایز تحلیل‌های جالبی مطرح شد

■ منتقد: شاهپور شهبازی ■ مجری کارشناس: شاهین امین ■ مترجم: بهمن نورانی

### رقصندگان خداوندگان مایز

■ کارگردان: دیوید لابران (آمریکا)  
■ موضوع فیلم: تمدن مایاها

یک مستند کاملاً علمی و سرشار از اطلاعات بکر درباره تمدنی از بین رفته؛ مستند «رقصندگان خداوندگان مایز» چنین فیلمی است و مستندساز آمریکایی با حوصله و دقتی خاص آن را به سرانجام رسانده است.

■ **دیوید لابران:** واقعا حضور در این جشنواره تجربه خارق‌العاده و بی‌نظیری برای من بود. من آمریکایی هستم و می‌دانید که دولت‌های مختلف نظرهایی باهم دارند اما مهم است ما به عنوان نمایندگان فرهنگی دو کشور تا حد ممکن به هم نزدیک شویم. فیلم من در باره هنر و تمدن «مایا» در ناحیه‌ای از قاره آمریکا است که تمدنی بسیار پیشرفته بوده‌اند و صاحب خط، ادبیات و فرهنگ بوده‌اند. اساس این فیلم اما تمرکز بر هنر و جهان بینی مایاها است. هزاران نمونه از گوی‌ها و گلدان‌هایی که در فیلم می‌بینید تا به امروز کشف شده‌اند و سبب شده‌اند نگاه ما نسبت به اسطوره‌شناسی این قوم تغییر کند. متأسفانه ۹۰ درصد این اشیاء تاریخی بیشتر توسط غارتگران کشف شده‌اند؛ این باعث محرومیت ما از حجم بالایی از اطلاعاتی است که امروز می‌توانستیم داشته باشیم. خیلی از این سازه‌های چند هزار ساله نابود شده‌اند و خیلی از آنها فضای واقعی خود خارج شده‌اند و امروز سراز موزه‌های مختلف و کلکسیون‌های شخصی در آورده‌اند. در این فیلم به این پرداخته‌ایم که این آثار امروز کجا هستند و در واقع کجا می‌بایست می‌بودند.

■ **شاهپور شهبازی:** به نظر می‌رسد این فیلم یک فیلم آکادمیک است. گزاره‌هایی را مطرح می‌کند. فیلم اساساً با گردش دوربین به طرف یک خرابه در جنگل آغاز می‌شود و تقریباً با همین نما تمام می‌شود. در این فضا گرانیگاه اصلی دلان و غارتگران هستند. راوی داستان دانای کل است. افراد مورد مصاحبه علاوه بر صاحب نظران، بومیان گوآتمالا هستند که از این ثروت بهره‌مند بودند اما به دلیل اعتقادات خوراکی از این کوزه‌ها به عنوان منبع تغذیه استفاده می‌کردند. امروز از طریق این کوزه‌ها قرار است نقی به‌نیم به تمدن و تاریخ مایاها به عنوان یک قوم از بین رفته است. این کار هم مانند تحقیقاتی آکادمیک پیش می‌رود و مولف در آن کاملاً بی‌طرف است. او حتی وقتی درباره غارتگران و یا اعتقادات خرافی بومیان صحبت می‌کند این بی‌طرفی را حفظ می‌کند.

### بافندگان خیال

■ کارگردان: محمدصادق جعفری  
■ موضوع فیلم: بافندگان زن ناپیانا

محمدصادق جعفری در جشنواره امسال فیلم «طلب فیض» را با موضوع روحانیت هم دارد اما «بافندگان خیال» او داستانی درباره فعالیت گروهی از بافندگان ناپیانا است.

■ **صادق جعفری:** بنده پیش‌تر فضاهای مختلفی در فیلمسازی را تجربه کرده بودم. اولین بار سال ۸۲ یا ۸۳ بود که با این نابیناها که با خط بریل قالبی می‌کردند روبه‌رو شدم تا سال ۸۷ این سوژه را با مرکز در میان گذاشتم. از ابتدا بر اساس تحقیقات فیلمنامه‌ای نوشتیم. عقیده دارم تا حد ممکن باید با فیلمنامه سر فیلم مستند رفت. روز اول شخصیت اول من جلوی دوربین نیامد. فیلمنامه اولیه را کنار گذاشتیم و خیلی از بخش‌ها به صورت فی‌البداهه پیش رفت. حالا فکر می‌کنم خوب شد که او نیامد چرا که فیلم در صورت فعلی حال و هوای جذاب‌تری پیدا کرده است. در فیلمنامه‌هایی که خود بنده برای کارهایم می‌نویسم ابتدا پژوهش مفصلی انجام می‌دهم تا از پیروم موضوع و شخصیت‌ها را استخراج کنم. در حین پژوهش به فیلمنامه هم فکر می‌کنم. به تعبیر دیگر سعی می‌کنم با ایده به میدان بروم. سعی می‌کنم برای هر سکانس کلیات را بدانم. در این فیلم چون با نابینا طرف بودیم سعی می‌کردم جزئیات بیشتری را قبل از آغاز تصویربرداری مشخص کنم. خیلی اوقات هم پیش می‌آید که فیلمنامه‌ای می‌نویسم و در حین کار آن را کنار می‌گذارم و همه چیز در لحظه پیش می‌رود.

■ **شهبازی:** نوع روایت فیلمساز در این مستند متفاوت است. لازم است به تفاوت سینمای داستانی و سینمای مستند توجه داشته باشیم. در سینمای داستانی تخیل و انمود می‌کند واقعیت است تا واقعیت دیگری را ثابت کند. اما در سینمای مستند تخیل و انمود می‌کند واقعیت است تا اینکه خود را اثبات کند و بگوید مرا بپذیرد. در سینمای داستانی از طریق غیاب سوژه و مفهوم در فهم مخاطب تأخیر ایجاد می‌کنید تا از طریق کنجکاوی ایجاد لذت کنید. در سینمای مستند اما اینگونه نیست و حتی جنس تعلق هم متفاوت است. به همین دلیل تقسیم اطلاعات در سینمای داستانی و سینمای مستند کاملاً متفاوت است. در سینمای مستند هدف لذت نیست، هدف آگاهی و کشف است.

### فیه‌ما فیه

■ کارگردان: صادق داوری فر  
■ موضوع فیلم: مشکلات فیلمسازی درباره روحانیون

داوری فر در زمینه ساخت مستند پیرامون روحانیان سرشناس یکی از مستندسازان موفق و شناخته شده است که حالا روایتی از دشواری فیلمسازی در این عرصه را در مستند «فیه‌ما فیه» به تصویر در آورده است.

■ **صادق داوری فر:** «فیه‌ما فیه» از «شیخ شوخ کاشی» آغاز شد. زمانی که این فیلم به عنوان پرتو حجت‌الاسلام قرائتی ساخته شد با مصائبی روبه‌رو شدم و کماکان هم این مستند در توقیف است. در فیلم بعدی سراغ حجت‌الاسلام راشد یزدی رفتم و خوشبختانه این فیلم هم ساخته شد اما با مصائب مشابه. سوژه سوم آیت‌الله جنتی بود که برای ساخت آن مسائل و مشکلات من جدی‌تر شد و سرانجام هم فیلم ساخته نشد. بعد از آن سراغ حجت‌الاسلام راستگورفتم و ۹ ماه هم برای پیش تولید آن وقت گذاشتم اما باز هم نشد. از جایی به بعد احساس کردم همین نشدن‌ها می‌تواند موضوع فیلم مستقلی باشد که حاصلش شد مستند «فیه‌ما فیه». زمانی که فیلم‌های قبلی را می‌ساختم به فکر «فیه‌ما فیه» نبودم و زمانی این فیلم شکل گرفت که در آثار قبلی شکست خوردم. آنچه در این فیلم می‌بینید به نوعی پشت صحنه پشت صحنه است. متأسفانه باید اینجا اعلام کنم که سوژه روحانیت را در فیلمسازی برای همیشه کنار گذاشته‌ام.

■ **شاهپور شهبازی:** حداقل چهار تا از فیلم‌های ایرانی جشنواره به نوعی خودبازتابی است چرا که راوی شخص اول و مولف است و از این جهت زیبایی کار در این است که این چهار فیلم از رویای گوناگون مورد تحلیل قرار بگیرد تا بدانیم سینمای مستند تا چه اندازه امکانات روایت در اختیار ما می‌گذارد. فارغ از تمام نظریه‌پردازی‌هایی که درباره سینمای مستند صحبت کرده‌اند اگر تمام آنها را در یک جمله خلاصه کنیم می‌شود این سوال که چه کسی چه چیزی را چگونه می‌خواهد بگوید؟ ایده اولیه این فیلم از یک کمبود و زخم ناشی می‌شود. بنابر این کارگردان با ساخت فیلم قرار است زخمی را التیام دهد. در فیلم هم، این کمبود به عنوان یک بحران خلف مطرح می‌شود. فیلم ساخته شده هم حاصل بیان شکست‌های مولف است. فیلم به رغم حسن نیت فیلمساز دو مشکل اساسی دارد؛ اول اینکه فیلم‌های اصلی او ساخته نشده‌دوم اینکه فیلم راوی تکرار موانع است. در فیلم با گسترش اطلاعات مواجه نیستیم.

## Beautifully Portrayed

Following the review meeting of the sixth day these films, including 'Chenarestan' by Hadi Afarideh, 'Atlan' by Moein Karimodini and 'Mr. Unemployed' by Ali Hamraz, were also screened and then reviewed by the presence of Shahpour Shahbazi as film critic and also the filmmakers. It was said that the important problem of today's documentary cinema is lack of interesting subjects.



# فیلم‌های که سر و صدا کردند

نشست مستندهای چنارستان، آقای بیکار و اتلان کارهای پر مخاطب جشنواره هشتم حسابی داغ و هیجان انگیز بود

منتقد: شاهپور شهبازی ■ مجری کارشناس: شاهین امین ■ مترجم: بهمن نورائی

### اتلان

■ کارگردان: معین کریم‌الدینی

■ موضوع فیلم: زندگی یک مربی اسب تر کمن

قطعا از پدیده‌های جشنواره امسال بود. فیلمی خوش ساخت و چشم نواز درباره یک مربی اسب تر کمن. کارگردان این مستند در نشست نقد آن تصویر بردار و صدا بردار را هم فراخواند هر چند به دلیل کمبود وقت فرصت پرسش و پاسخ با آن‌ها فراهم نشد.

■ **کریم‌الدینی:** پژوهش این فیلم از بهمن سال ۹۰ آغاز شد که تصمیم گرفتم از یک مربی اسب و اسبش مستند بسازم. با نزدیک به ۳۵ مربی مصاحبه کردم تا به مربی مورد نظر رسیدم. تولید از آذرماه آغاز شد و تا مردادماه ادامه پیدا کرد و یک ماه پیش هم کار آماده نمایش شد. زمانی که فیلم آغاز شد می‌توانستم یک مستند محض بسازم و با به سمت پررتنگ کردن ارزش‌های دراماتیک بروم. سلیقه‌ام به روایت داستانی نزدیک‌تر بود و از ابتدا می‌دانستم می‌خواهم داستان تعریف کنم اما می‌دانستم نباید بازسازی کنم. ما چند پلان با کریک داریم که بسیاری معتقد بودند با توجه به این که ۷۰ درصد فیلم دوربین روی دست است این پلان‌ها به کار لطمه می‌زند اما می‌دانستم که با آن جور در می‌آید. نمی‌خواستیم به سمت قواعد سینمای داستانی بروم. جنبه‌های مستندگونه فیلم همچنان سر جایش است و حتی دیالوگ آدم‌ها را من تعیین نکردم. باید دید آیا این ساختار به فیلم ضربه زده است؟ فیلم باید جایی تمام می‌شد و مهم این بود که این مربی اسبش را فروخت. تمام اتفاقات واقعی بود و به هیچ عنوان طراحی نشده نبود. اگر طراحی می‌کردم تیشه به ریشه فیلم زده بودم. این فیلم به شدت به عواملش وابسته است و بنده تنها کارگردان بودم به همین دلیل از عواملم خواستم که با من در این نشست همراه باشند.

■ **شاهپور شهبازی:** با دیدن فیلم هر کسی متوجه می‌شود چه رنج و تلاشی پشت کار خوابیده است. تبریک و عرض تاسف. تبریک به این دلیل که فیلم تقریبا همه پتانسیل‌های یک فیلم سینمایی داستانی خیلی خوب و پر فروش را دارد. با همین امکانات محدودی که داشته است. اما به شدت اعتقاد دارم این کار به داستان نزدیک است و در ساختار ضربه خورده و اگر در چیدمان پلان‌های فرعی کمی بیشتر دقت می‌شد حتما با اثری بیش از امروز موفق مواجه بودیم. فیلم از منظر داستانی مشکل ساختاری دارد اما واقعا ساخت آن جای تبریک دارد.

### آقای بیکار

■ کارگردان: علی همراز

■ موضوع فیلم: بیکاری

از آثار مفرح و در عین حال تاثیرگذار جشنواره امسال فیلم «آقای بیکار» است که با استقبال مخاطبان نیز همراه شده است. علی همراز در این فیلم نگاهی متفاوت به معضل بیکاری داشته است.

■ **علی همراز:** داستان این فیلم از این قرار است که یک مستندساز بیکار تصمیم می‌گیرد به دلیل بیکاری مستند بسازد. ما وارد این ماجرا شدیم و شوخی شوخی دو سال این فیلم ما را سر کار گذاشت و به طول انجامید. در این فیلم با یکسری از مسائل که مربوط به ایران امروز است همراه می‌شویم. در حقیقت تم و موضوع اصلی این فیلم بیکاری است که از نام خود فیلم هم می‌توان به راحتی آن را درک کرد. بسیاری دیگر از مسائلی که قرار است در مورد آن حرف بزنم در فیلم مشهود است و بهتر است که مخاطبین سینمای مستند این فیلم را ببینند. زمان برای یک فرد بیکار به نوعی دیگر سپری می‌شود که گاهی اوقات هر یک دقیقه یک سال می‌گذرد و این یکی از سخت‌ترین شکنجه‌ها برای انسان است. در اینجا ساعت و زمان معنای دیگری پیدا می‌کند که تلاش داشتیم این احساس را انتقال دهیم. زمانی جذاب نبودن جزو افتخارات یک فیلم مستند بود؛ اما خوشحالم که امروز آثاری را در جشنواره شاهدیم که مستندساز در آن تلاش دارد برای خلق جذابیت و جذب مخاطب.

■ **شاهپور شهبازی:** در ارتباط با ساختار فیلم باید بگویم که راوی اول شخص است؛ اما یک اول شخص مدرن را توسط کارگردان می‌بینیم که خودش را بازتاب می‌دهد. راوی بنا به درگیری‌هایی تصمیم می‌گیرد فیلمی بسازد ولی در فیلم محو می‌شود و در زمانی که فیلم پیش می‌رود تبدیل به سوژه می‌شود. سوژه در طی فرایندهایی مانند فرهنگ و تاریخ و یا کابوس و هدمونیسیم از مسیرهایی عبور می‌کند که پالایش می‌شود و آلودگی‌ها را به بیرون تف می‌کند. تظہیر از آلودگی‌ها را می‌توان در این فیلم دید که چگونه باعث هدایت انسان می‌شود. نوع استفاده از دوربین و کادرهایی که بسته می‌شود به درستی صورت گرفته است. این فیلم با شروعی که در یک اتفاق تاریک دارد از تردید و پرسش شروع کارش را آغاز می‌کند. این فیلم از نادانی‌ها می‌گوید و سوال‌هایی که مطرح می‌شود از یک آگاهی سرچشمه گرفته که مربوط به شخص فیلمساز می‌شود.

### چنارستان

■ کارگردان: هادی آفریده

■ موضوع فیلم: مرور تاریخ خیابان ولیعصر

فیلم «چنارستان» از مهم‌ترین مستندهای به نمایش درآمده در جشنواره هشتم سینما حقیقت است که علاوه بر استقبال مخاطبان در فهرست نامزدهای نهایی جشنواره هم از آثار رکورددار بود.

■ **هادی آفریده:** خط کلی فیلم ما مشخص است و پیچیده نیست. فیلم حدود یک قرن تاریخ خیابان ولیعصر را می‌خواهد بازبانی کند چون برخی حوادث آن آنقدر مطرح و مشهور نبوده که همه ما آن را بدانیم و سعی کرده‌ایم با جمع‌آوری خاطرات فردی افراد و مردم به یک تاریخ جمعی برسیم. این جلسات بیش از نقد جلسه گفت‌وگو است و ای کاش بعد از هر فیلم و وقتی بازار آن داغ است این بستر مهیا می‌شد. من همواره درباره علاقه فیلم می‌سازم البته این روزها به این فکر می‌کنم چه چیزهای جذابی هست که هنوز به آن پرداخته نشده است. مهم‌ترین معضل سینمای مستند امروز عدم جذابیت و کشش سوژه‌هاست. فکر می‌کنم مستندسازی که نقد نمی‌کند و منتقد نیست یک جای کارش می‌لنگد. این فیلم تاریخ است. نه تخیل است و نه قصه. شاید خیلی از افراد داخل فیلم را من هم دست نداشته باشم، اما اجازه نداشتیم در بستر یک روایت فیلم یک کارا کتر تاریخی را حذف کنیم.

■ **شاهپور شهبازی:** ما، در این مستند یک خیابان ۱۸ کیلومتری داریم که مقوله‌های مختلفی در آن مطرح می‌شود. فیلم با افتتاح راه آهن آغاز می‌شود. پس هدف یک سفر است. سفر از میدان راه آهن آغاز می‌شود و به میدان تجریش می‌رسد. یکی از جهت‌گیری‌های اصلی فیلمساز گزینش سوژه‌هاست که نشان دهنده دغدغه‌ها و علایق کارگردان است. گرآینگاه اصلی فیلم تصاد زمان حال با گذشته است و به همین دلیل در هر ایستگاه دراماتیک از منظر آرشیوی سفری در زمان خواهیم داشت. مکان برای ما فرصتی را فراهم می‌کند تا بازگشت زمانی داشته باشیم و دیروز و امروز اماکنی مانند تئاتر شهر را ببینیم. اینگونه ما به یک رویکرد می‌رسیم. مستندساز به مخاطب می‌گوید نگاه کن چیزی سر جایش نیست. پس ذات فیلم مستند اعتراض است. به همین دلیل پایان این فیلم با آماري که ارائه می‌دهد ۳۰ هزار درخت چنار بوده و با ۸ هزار چنار به پایان می‌رسد.





## به دنبال رفع نیازهای جدید

علیرضا قاسم خان از برنامه‌های معاونت پژوهشی مرکز گسترش و کارگاه‌های تخصصی جشنواره هشتم می‌گوید

امید صبوری

o.sabori@gmail.com

در مقام معاونت پژوهشی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی مدیریت و سامان‌دهی کارگاه‌های تخصصی جشنواره سینما حقیقت را از دوره گذشته بر عهده داشته‌ام. علیرضا قاسم خان فارغ‌التحصیل کارگردانی سینما از دانشگاه هنر است سال‌هاست در حوزه مستندسازی و کارگردانی فیلم داستانی کسب تجربه کرده و به واسطه همین سابقه‌های کارپردی به برنامه‌های جنبی مانند برگزاری کارگاه‌های تخصصی دارد. قاسم خان در این گفت‌وگوی کوتاه جشنواره‌ای به نکات قابل توجهی درباره اولویت‌های معاونت پژوهشی مرکز گسترش و نیز کیفیت برگزاری کارگاه‌های تخصصی «سینما حقیقت» اشاره می‌کند.

**اگر بخواهیم جشنواره هشتم سینما حقیقت را از منظر دستاوردهای یکساله معاونت پژوهشی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی ارزیابی کنیم مهمترین دستاورد خود را در این دوره چه می‌دانید؟**

جدی‌ترین موردی که در جشنواره هشتم سینما حقیقت شاهد آن خواهید بود برگزاری کارگاه‌های تخصصی است. به‌رغم سابقه چندساله برگزاری، سعی کرده‌ایم در این دوره به روزترین مباحث جهانی سینمای مستند را در قالب این کارگاه‌ها بگنجانیم و فضا را برای شناخت هرچه بیشتر علاقه‌مندان نسبت به مسائل جهانی مستندسازی فراهم کنیم. در کنار این کارگاه‌های تخصصی بحث رونمایی از چهار کتاب ارزشمند در این دوره را هم می‌توان به‌عنوان دستاورد معاونت پژوهشی مورد ارزیابی قرار داد. یکی کتاب «گونه‌شناسی فیلم مستند» به قلم دکتر احمد ضابطی جهرمی است که اثر بسیار مهمی است. کتاب «مستندسازها سخن می‌گویند» با ترجمه آقای شاپور عظیمی که مجموعه‌ای گرانبها از گفته‌ها و خاطرات مستندسازان بنام جهان است که جنس فعالیت‌هایشان به فضای فعالیت مستندسازان ما هم نزدیک است و حکم مرور تجربیات برای مستندسازان ایرانی را دارد. «واقعه در قاب» نام کتاب ارزشمند دیگری است که به قلم احمد طالبی‌نژاد از منتقدان صاحب‌نام به بررسی فیلم‌های مستند با موضوع فرهنگ عاشورا می‌پردازد. در این کتاب از قدیمی‌ترین تولیدات تازه‌ترین آثار مورد ارزیابی و مرور قرار گرفته است. کتاب دیگری هم که امسال شاهد رونمایی از آن هستیم و فکر می‌کنم از اساس زاویه نگاه تازه‌ای داشته باشد کتاب «سینما جهان ایرانی» است که در آن سعی شده تا از منظر اهل نظر رابطه سینما و ایران مورد تحلیل قرار بگیرد. همواره به‌سرم بوده که نظر سینماگران در این جنس آثار درباره مسائل مختلف کسب شود اما این بار کارشناسانی از حوزه‌های دیگر درباره سینما اظهار نظر می‌کنند که می‌توان اثری متفاوت محسوب شود. در کنار کارگاه‌های پژوهشی و رونمایی از این چهار کتاب، در این دوره از جشنواره شماره جدید فصلنامه

سینما حقیقت را هم داشتیم که بخش ویژه‌ای پیرامون سینمای مستند و نیز مهمانان خارجی جشنواره در آن لحاظ شده‌است. از تحلیل همین پازل می‌توان عملکرد یکساله معاونت پژوهشی را ارزیابی کرد.

**چهار کتابی که به آن اشاره کردید از مرحله آغاز طراحی سوژه و نگارش زیر نظر معاونت پژوهشی بوده یا صرفاً انتشار و حمایت از محصول نهایی را مرکز گسترش بر عهده داشته‌است؟**

کامل‌ترین نظر معاونت پژوهشی بوده‌است. زمانی که ایده کتاب آقای ضابطی جهرمی که حاصل ۳۰ سال فعالیت ایشان در حوزه نمایش، ساخت و تدریس سینمای مستند است، به ما ارائه شد از ایشان خواستیم با نگرشی جامع‌تر و افزودن چند فصل جامعیت کتاب را بیشتر کنند. طرح نهایی در شورای پژوهشی مرکز تصویب شد و کار به ثمر رسید. کتاب آقای شاپور عظیمی هم اگر چه به انتخاب خودشان به ما معرفی شد اما به واسطه بررسی رابطه محتوا کتاب با مسائل مستندسازی در ایران متن آن تصویب و روند ترجمه و انتشار آن پیگیری شد. به همین دلیل می‌توان گفت این چهار کتاب محصول معاونت پژوهشی مرکز گسترش است.

**درباره کارگاه‌های تخصصی همواره این نگرانی وجود دارد که در مرحله اجرا به برنامه‌هایی کلیشه‌ای مانند آنچه در جشنواره‌های مشابه شاهدش هستیم تبدیل شوند. اما خوشبختانه این اتفاق نیفتاد و شاهد برپایی و کارگاه‌های مفیدی در جشنواره بودیم.**

سال گذشته که برای نخستین دوره بنده مسئولیت برگزاری این کارگاه‌ها در حاشیه جشنواره سینما حقیقت را بر عهده داشتیم، از تمام کارگاه‌های برگزار شده تصویربرداری شد و امسال تصاویر کارگاه‌های دوره گذشته در جشنواره توزیع خواهد شد. با این کار تلاش کردیم استمرار دانش آموختگی را در جشنواره حفظ کنیم. می‌توان از هر منظری به این کارگاه‌ها نگاه کرد اما نوع مهمانان، نوع سوژه‌های طرح شده در این دوره نشان‌دهنده کیفیت آن است. بنده معتقدم در حوزه سینمای مستند می‌بایست به افق‌های دور‌تر و بالاتر توجه داشته باشیم. به‌عنوان نمونه بحث آقای بیل نیکل در کارگاه امسال «سوئز کتیویته و ذهنیت در سینمای مستند» بود. بحثی که از تازه‌ترین مباحث در سطح جهانی سینمای مستند است. برای ما برگزار نکردن کارگاه‌ها ساده‌تر بود تا اینکه بخواهیم با این کیفیت برای کارگاه‌ها برنامه‌ریزی کنیم. اصلاً به این فکر نبودیم که صرفاً برنامه‌ای برای پررنگ شدن رزومه جشنواره هشتم برگزار کنیم. فکر اصلی این بود از این فرصتی که تقریباً همه مستندسازان کشور دور هم جمع می‌شوند برای تکمیل پرسوسه دانش آموختگی و ارتباط با مباحث روز جهانی در عرصه مستندسازی بهره بگیریم. صدا البته که هر کاری در استمرار به نتیجه خواهد رسید. اگر این کارگاه‌ها استمرار نداشته باشد و در سال‌های بعد با سلیقه‌های دیگری روند برگزاری آن متوقف شوند قطعاً به نتایج مطلوب نخواهد رسید.

### اصل مطلب

#### مشورت در اتاق شیشه‌ای

در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در یک اتاق شیشه‌ای قرار داریم. در همین راستا مشاورای پژوهشی داریم که متشکل از چهره‌های شاخص و صاحب‌نظر است. در این فرآیند مشورتی برای برگزاری کارگاه‌ها به دو نکته توجه داشته‌ایم؛ یکی اینکه در این دوره بهتر است چگونه مهمانان را دعوت کنیم. نکته دیگر اینکه که مستندسازان چه افرادی را برای حضور معرفی می‌کنند. غالباً در این زمینه برحسب علایق هر مستندساز عده‌ای معرفی می‌شوند. برحسب این فهرست برنامه‌ریزی صورت گرفت تا شرایط هنوز مهمانان و کارشناسان مهیا باشد.



# استعدادهای ایرانی بی نظیرند

محمود کلاری یکی از بزرگان عرصه فیلمبرداری در شبی شلوغ و پر از مهمان به دعوت نشریه روزانه سینما فلسطین حضور پیدا کرد و حرف‌های تازه‌ای در خصوص سینمای مستند با مادر میان گذاشت

محمدصادق شایسته

Mshayesteh84@gmail.com

در تمام طول برگزاری جشنواره سعی کردیم در انتخاب مهمان‌ها به سراغ چهره‌های برویم که از حداقل ارتباط لازم با سینمای مستند برخوردار باشند. مهمان‌های زیادی به دعوت نشریه روزانه مهمان جشنواره حقیقت شدند؛ اما جای یک چهره فنی در بین مهمانان خالی بود. چهره‌ای که هم درک خوبی از سینمای مستند داشته و هم در سطح سینمای داستانی از اعتبار و تجربه کافی برخوردار باشد. راستش اولین گزینه‌ای که به فکرمان رسید محمود کلاری بود. مدیر فیلمبرداری با سابقه‌ای که ثبت تصاویر تعدادی از بهترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران بر دوش او بوده و امروز در کنار داریوش خنجی و علیرضا زرین‌دست جزو بین‌المللی‌ترین چهره‌های پشت دوربین سینمای ایران است. کلاری ویژگی دیگری هم داشت او هم مستند فیلمبرداری کرده، هم قرار است به زودی مستند بسازد و هم به قول خودش یکی از عاشقان ازلی ابدی سینمای مستند است. او این روزها مشغول فیلمبرداری تازه‌ترین فیلم روح‌اله حجازی با نام «مرگ ماهی» است اما در حالی که روزانه حدود ۱۲ ساعت مشغول کار سنگین است تا فیلم حجازی به جشنواره فجر برسد اما اسم سینمای مستند کافی بود تا او بلافاصله پس از پایان یک روز فیلمبرداری‌اش از دورترین نقطه شرق تهران بکوبد و به سینما فلسطین بیاید تا مهمان جشنواره فیلم مستند باشد.

مشروح گزارش در صفحات ۸ و ۹



## Defining New Demands

Alireza Ghasemkhan has managed the specialized workshops of Cinema Verite festival since last year. After many years of experience in the field of directing documentary and fiction films, he has gained a practical view on peripheral programs, like holding workshops. According to Ghasemkhan, the most significant fact about the 8th Cinema Verite festival is the various kinds of specialty workshops. This year's workshops include the recent topics of documentary filmmaking, in order to provide an opportunity for spectators to become more familiar with global issues of the field.

در فرآیند طراحی موضوعی این کارگاه‌ها تا چه اندازه با مستندسازان در تعامل هستید و آیا نیازسنجی خاصی در زمینه برنامه‌ریزی این بخش صورت گرفته است؟

برای پاسخ به این سوال توجه شما را به یک نکته جلب می‌کنم. یک نگاه سنتی و نه الزاماً اشتباه بر این عقیده است که ما می‌بایست به نیازها توجه و آن‌ها را رفع کنیم اما جهان امروز بر این باور است که ما می‌بایست نیازهای جدید را ایجاد کنیم. یعنی اگر بنده در فرآیندی بخواهم نیازهای فیلمسازان را استخراج کنم از کجا معلوم که نتیجه‌ای که استخراج می‌شود صحیح باشد؟ از کجا معلوم که دانش من نوعی در این مقطع تشخیص درستی را به دنبال داشته باشد؟ بنده معتقدم که ما می‌بایست متوجه اتفاقات و تحولات جهان امروز باشیم تا در یابیم مستندسازی ما کجا ایستاده است. اگر به این موارد فکر کنیم می‌توانیم نیازهای جدیدی را برای مستندسازان تعریف کنیم. به عنوان مثال می‌توانیم بگوییم یکی از مسائل مهم روز استفاده از دوربین‌های شخصی و تصویر کردن زندگی روزمره است. ما باید به این جریان‌های جدید فکر کنیم. در برابر نظریات جدید باید بیاندیشیم که این نظریات چه کار کردی در ایران می‌تواند داشته باشد. چرا ما امروز نباید کرسی‌های نظریه‌پردازی در حوزه سینمای مستند داشته باشد. چرا مدام باید مصرف‌کننده باشیم؟ دلیل این است که ما اساساً به حوزه سینمای مستند فکر نمی‌کنیم و احساس نمی‌کنیم به عنوان یک جریان مرجع قابلیت نظریه‌پردازی هم دارد. بیشتر مباحث ما حول محور تولید است و مدام منتظریم تا فیلم مستندی تولید شود و بعد درباره آن قضاوت کنیم و نقد بنویسیم. این در حالی است که حوزه سینمای مستند در جهان امروز خیلی فراتر از این حرف‌ها رفته است. در این راستا بهتر است قبل از آنکه بخواهیم ببینیم چه نیازهایی داریم باید شناخت‌مان از خودمان را کامل کنیم و بدانیم کجا ایستاده‌ایم و بعد در قیاس با شرایط جهانی ببینیم چه مسیری را باید انتخاب کنیم.

یکی از کارکردهای جشنواره‌های سینمایی از آنجا که یک رویداد دولتی محسوب می‌شود جهت‌دهی به جریان کلی تولید آثار است. طراحی کارگاه‌های جنبی سینما حقیقت چه نسبتی با این کارکرد جشنواره سینما حقیقت می‌تواند داشته باشد؟

البته بنده به شخصه خیلی موافق اعلام یک نظریه از بالا به فیلمسازان و عمل کردن آن‌ها بر مبنای آن نیستم...

بله در این تردیدی نیست اما برگزاری جشنواره بر تعریف اولویت‌ها برای فیلمسازان تأثیر مستقیم دارد.

وقتی اولویتی در قالب سیاست‌های کلی سازمان سینمایی ابلاغ می‌شود سعی ما این است که کلیت آن را در قالب برگزاری کارگاه و انتشار کتاب و مواردی از این دست اجرایی کنیم. سیاست‌های کلی از بالا دست ابلاغ می‌شود و کیفیت اجرای آن به دستگاه‌های ذی‌ربط و زیردست بر می‌گردد. در جشنواره سینما حقیقت و برگزاری کارگاه‌های تخصصی آن هم این رویکرد مدنظر است. درست که سیاست‌ها از بالا ابلاغ می‌شود اما سینمای مستند یک موجود زنده است. این موجود زنده با جامعه سیاسی، اجتماعی و انسانی اطراف خود ارتباط دارد و همین ارتباط باعث زنده‌تر شدن آن می‌شود. اینگونه نیست که مادر تمام این زمینه‌ها موفق بوده‌ایم اما باید با توجه به مقتضیاتی که داریم به این مسئله هم توجه داشته باشیم.

Interview

No.7 - Sat, 6th Dec - 2014

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

7







تین مستندساز از به کارهای جهانی مشغولند و هر از چندگاهی اگر وقت خالی پیدا کنند به آن روی می آورند در حالی که در اسر جهان مستندساز به عنوان شغل و حرفه‌ای که اتفاقاً می‌تواند برآمد مهم باشد به مستندسازی باافزود می‌تواند یک شغل پردرآمد یعنی واقعاً مستندسازی باافزود می‌تواند یک شغل پردرآمد لقب بگیرد؟ پاسخ می‌دهد اگر این گونه نبود که این همه هزینه برایش نمی‌شدند، او ادامه می‌دهد همه دنیا کم و بیش مستند می‌بینند و این اقبال چیزی فراتر از یک اقبال معمولی است چرا که حداقل در آمریکای شمالی بسیاری از شبکه‌های پر بیننده که عمدتاً فعالیتشان ساخت آثار نمایشی پر هزینه از قبیل فیلم و سریال و برنامه‌های ترکیبی است مستندهای اختصاصی برای خودشان تولید می‌کنند که بسیار باکیفیت و البته پرهزینه هستند. یعنی توجهی که الان در جهان به سینیمای مستند می‌شود توجه بسیار قابل قبول و در حال افزایشی است. همین می‌تواند دلیلی باشد برای اینکه در کشور خودمان هم نگاه به موفقه مستندسازی بیش از پیش جدی‌تر باشد. کلاری می‌گوید حتی در تلویزیون خودمان هم فایده از کیفیت زورم شدن روی جزئیات خوب و بد، مایک شبکه مستند در کشور خودمان داریم که این نشان از درک اهمیت مستند در کشور خودمان داریم می‌دهد که فقط نباید این توجه هر روز بیشتر، دقیق‌تر، پرورتر و بارنامه‌ریزی بلندمدت‌تری شود.

# و

**در حساس‌ترین بخش‌های فیلمبرداری که رشته تخصصی خودم است جوان‌های ما نه تنها همپای سینیمای جهان حرکت می‌کنند بلکه گاهی فراتر از آن هم عمل کرده‌اند**

رشته تخصصی خودم است جوان‌های ما نه تنها همپای سینیمای جهان حرکت می‌کنند بلکه گاهی فراتر از آن هم عمل کرده‌اند



تفاق مهم از اصلی‌ترین ویژگی‌های مستندسازی است بنابراین تفیق فیلمبرداری بسیار تعیین‌کننده و کار او بسیار مشکل است چرا که در حاکم و پربررسی است که مثلاً باید شش ماهه در آن می‌شود فیلم باید مستندسازان نظر کلاری فیلمبرداری در کار مستندسازی باید شش ماهه تمام واقع مهمی که به سوره‌ها مربوط هم وظیفه پوشش دادن تمام واقع مهمی که به سوره‌ها مربوط می‌شود را دارد و هم باید حواسش به این باشد که این تصاویر او در نهایت باید کنار هم چیده شوند و منطقی که او برای ثبت هر لحظه استفاده می‌کند باید با قبل و بعد از آن همخوانی و هارمونی دقیقی داشته باشد و بین صحبت‌های کلاری، رزاق کربعی بادی می‌کند: مستندی «پاد و پادگا» که در بخش‌های از آن با محمود کلاری سه عنوان میهمان از کرده بوده و آن تجربه را یکی از حرفه‌ای‌ترین و خوشایندترین تجربه‌های دوران کاری‌اش می‌داند و در تألیف صحبت‌های کلاری اضافه می‌کند که در همان مستند هم این نکته‌ای که کلاری گفته را به شکل محسوس درک کرده است این که یک جایی می‌رسد که دیگر کارگردان هیچ اختیاری ندارد، مراسمی در حال برگزاری است و هر لحظه ممکن است اتفاقی در آن رخ دهد که هیچ‌کس نمی‌داند، هیچ‌کس نمی‌داند و فقط تجربه و هوش وجود دارد و فقط تجربه و هوش فیلمبرداری است که می‌تواند اثر را به سرانجام مطلوبی برساند. در این حال اگر فیلمبرداری تجربه یا کم‌سواد باشد ممکن است شما خیلی چیزها را از دست بدهید. کلاری هم ادامه می‌دهد: «گاهی برای این از دست دادن‌ها باید یک یا چند سال صبر کنی و در برخی موارد اگر چیزی از دست فیلمبرداری نبرد و دیگر

که در کلان‌برای ساخت یک فیلم مستند در سال آینده است ولی فیلدنی خواهد چرانی از آن را اعلام کند. گرم بحث با کلاری در خصوص سینیمای مستند هستیم که محمد مهدی طباطبائی بزرگ‌ترین جشنواره و معرفی رزاق کربعی معاون فرهنگی مرکز گسترش به ما می‌پویند تا به کلاری خوش آمد بگویند. چند دقیقه‌ای به خوش و بش بین آن‌ها می‌گذرد و بعد دبیر جشنواره برای انجام باقی کارهایش می‌روند اما رزاق کربعی می‌ماند و ماندن او باعث می‌شود بحث‌هایی شکل بگیرد.

**فیلمبرداری و حساسیت‌های آن در مستندسازی رزاق کربعی مستند را پیشروانای برای سینیمای داستانی می‌داند و کلاری هم با قاطعیت این نظر را تایید می‌کند و بعد در خصوص حضورش در جشنواره «گرمایم» بهستان می‌گوید: از اینکه امسال بخشی مخصوص سینیمای مستند بود و در آن چهار ماهه اسناد فیلم‌سازی به بحث و تبادل نظر در خصوص شش اراکات و تفاوت‌های فیلم‌سازی در سینیمای مستند و داستانی پرداختند، کلاری می‌گوید آن حساس**

**پایان بررسی مباحث طرح شده همه به این نتیجه رسیدند که فیلم‌سازی چقدر نقش مهمی در سینیمای مستند دارد: «در فیلم داستانی کارگردان تا حدود زیادی تکلیف فیلم‌سازی را مشخص می‌کند و تقریباً همه چیز از پیش تعیین شده است، بقیه‌اش مواردی است که به شکل ایده‌های تکمیلی اضافه می‌شود اما در مستند گاهی کارگردان نمی‌تواند به پای فیلم‌سازی حرکت کند.» به اینجا که رسید رزاق کربعی هم پیشنهادش تاکید کرد: «این مبحث بسیار مهمی است که خیلی جاه‌توجه درستی به آن نمی‌شود» کلاری این‌گونه ادامه می‌دهد که یکی از تجربه‌های خودش در زمینه سینیمای مستند داستانی فیلم «سلام سینیما» است که کارگردان خودش در بطن فیلم حضور دارد و در این شرایط کارگردان چاره‌ای نداشته جز اینکه به فیلم‌سازی اعتماد کند و بداند وقتی او خواستش سر اتفاقاتی است که به شکل غیرمنتظره رخ می‌دهد فیلم‌سازی قدرت تشخیص این را دارد که بداند از کجا کدام لحظات به آسانی و تا امل کمتری عبور کند و کدام اتفاقات را نتواند دنبال نماید. کلاری معتقد است به دلیل اینکه در فیلم مستند امکان**

**به نظر من استعدادهایی که در سینیمای مستند و داستانی ایران هستند در دنیا کم‌نظیرند و این چیزی که می‌گویم به دو دو از تمام تعارفات موسوم در این زمینه است، من چندین و چند تجربه کار با گروه‌هایی را داشته‌ام که حتی یک ایرانی در بین آن‌ها حضور نداشته و آن تیم یکی از حرفه‌ای‌ترین تیم‌های فنی در زمینه‌های مختلف بوده‌اند ولی اصلاً نمی‌توانستم آن‌ها را با چهره‌های جوانی که در تیم‌های فیلم‌سازی خودمان هستیم در نظر بگیرم. کسب صرف نظر از محدودیت و کمبود امکانات فنی آن‌ها که در نظر من بسیار زیاد است و درک و فهم جوان‌های ایرانی جزو بهترین‌ها هستند. در همین زمینه امکانات شما نگاه کنید که چگونه این جوان‌ها بالاترین بهره‌ر از آن‌ها در امکاناتی که در اختیارشان قرار می‌گیرند، به‌ترین‌ها در این زمینه به نظر من چهره‌های فنی بوده و می‌کنند. جالب این است که حتی در حساس‌ترین بخش‌های فیلم‌سازی که رشته تخصصی خودم است جوان‌های ما که تنها همپای سینیمای جهان حرکت می‌کنند بلکه گاهی فراتر از آن عمل کرده‌اند.**

## انقلاب دیجیتال؛ تیغ دو لبه

انقلاب دیجیتال و سهولت‌الوصول‌تر شدن فیلمسازی، یک سری ساده‌انگاری‌هایی را واز سینیمای کرده‌است، متأسفانه گاهی می‌بینیم این تصور در برخی به وجود آمده که هر آن چه اطراف و پیرامون ما اتفاق می‌افتد قابلیت تبدیل شدن به یک اثر مستند را دارد درست است که این هم بخشی از مستند است و به نام واقع‌نگاری معروف است اما در حقیقت فرق بسیاری است بین فیلمی که دارای اندیشه و فکری است و فیلمی که تنها پر کردن از یک اتفاق رخ داده در اطراف یک شخصی است، بعضی‌ها معنا می‌دهد که هر اتفاقی می‌تواند توسط موبایل من ثبت و بعد هم تبدیل به یک اثر مستند شود عوارض خطرناکی برای کلیت سینیمای مستند دارد این‌گونه فیلم‌ها برای دیده شدن، یا نظیر گرفتن از چند نفر یا حتی نمایش در جمع‌های کمیتر خودمانی و تشویق شدن توسط آن‌ها خوب باشد ولی در ذات سینیمای مستند موانع زیادی وجود دارد که اثر به معنای واقعی لقب مستند بگیرد پس به نظر من باید این سهولت‌الوصول شدن ثبت‌تصور نتیجه‌اش به ساده‌انگاری منجر شود.



## جوان‌هایی فرار از حد و اندازه جهانی

به نظر من استعدادهایی که در سینیمای مستند و داستانی ایران هستند در دنیا کم‌نظیرند و این چیزی که می‌گویم به دو دو از تمام تعارفات موسوم در این زمینه است، من چندین و چند تجربه کار با گروه‌هایی را داشته‌ام که حتی یک ایرانی در بین آن‌ها حضور نداشته و آن تیم یکی از حرفه‌ای‌ترین تیم‌های فنی در زمینه‌های مختلف بوده‌اند ولی اصلاً نمی‌توانستم آن‌ها را با چهره‌های جوانی که در تیم‌های فیلم‌سازی خودمان هستیم در نظر بگیرم. کسب صرف نظر از محدودیت و کمبود امکانات فنی آن‌ها که در نظر من بسیار زیاد است و درک و فهم جوان‌های ایرانی جزو بهترین‌ها هستند. در همین زمینه امکانات شما نگاه کنید که چگونه این جوان‌ها بالاترین بهره‌ر از آن‌ها در امکاناتی که در اختیارشان قرار می‌گیرند، به‌ترین‌ها در این زمینه به نظر من چهره‌های فنی بوده و می‌کنند. جالب این است که حتی در حساس‌ترین بخش‌های فیلم‌سازی که رشته تخصصی خودم است جوان‌های ما که تنها همپای سینیمای جهان حرکت می‌کنند بلکه گاهی فراتر از آن عمل کرده‌اند.





## نام فیلم: آنا

## کارگردان: عسل غریب

درباره فیلم: «آنا» فیلمی درباره امید به زندگی بعد از وقوع زلزله است. داستان روایتی از چند پسر بچه یک روستای زلزله زده آذربایجان شرقی، منطقه ورزقان در سال ۹۱ است. این پسر بچه‌ها بین خرابه‌ها به دنبال یک تلویزیون سالم هستند تا بازی تراکتورسازی تبریز را ببینند. تمرکز فیلم بیشتر بر روی مادران و زنانی است که در این زلزله جان خود را از دست دادند.



## مادران به روایت فرزندان

ادای دین عسل غریب به مادران زلزله زده آذربایجان

«آنا» به زبان ترکی دو معنی می‌دهد. یک معنی آن یعنی مادر و معنی دیگرش زمین است. قهرمان‌های داستان پسر بچه‌هایی هستند که در بین خرابه‌های بعد از زلزله سال ۹۱ روستایی در ورزقان به دنبال تلویزیون برای تماشای بازی تراکتورسازی هستند. در طول فیلم که پسر بچه‌ها به دنبال تلویزیون می‌گردند به موضوع مادر و دخترهایی که کشته شدند هم پرداخته شده است. این پسر بچه‌ها بهانه‌ای هستند تا به نوعی بر روی مادرها تمرکز شود. چون آن زمان که زلزله آمد مردها و پسرها بر سر زمین‌های کشاورزی بودند و بیشتر زنان در این زلزله جان خودشان را از دست دادند. «آنا» چهارمین فیلم من به حساب می‌آید و این فیلم که ساختش دو سال به طول انجامید ۵۱ دقیقه است. برای من ایده فیلم مهم بود و سعی کردم با بچه‌ها آنقدر خوب ارتباط برقرار کنم تا فیلم و داستان را باور داشته باشند. «آنا» با همکاری بچه‌های زلزله زده ساخته شد. دوربین یک چهارم از فیلم در دست بچه‌هاست. یعنی به گونه‌ای است که آنها فیلم را می‌سازند. بچه‌ها به مردم روستا و کسانی که به آنجا آمده‌اند اعلام می‌کنند این ما هستیم که داریم فیلم می‌سازیم. ایده اولیه‌ام هم همین بود تا بچه‌ها باور داشته باشند و با من همکاری کنند. شاید به خاطر اینکه توانستم خوب با آنها ارتباط برقرار کنم از چهارمین ساخته خودم راضی باشم. همچنین باید سپاسگزاری کنم از همکاری بسیار خوب مردم زلزله زده روستای باجه باج و تمام عزیزانی که در ساخت «آنا» همراه من بودند، به خصوص استاد نازنینم آقای محمدرضا اصلانی که شاید اگر ایشان نبود نمی‌توانستم این فیلم را به سرانجام دلخواه برسانم.

## مستند اصفهان

# دیوید آتبروی آینده خواهد بود!

فرشاد افشین پور در مستند «سفر به آمادای»، به بررسی گونه‌های مهم جانوری و زیستی استان همدان پرداخته. تولید این فیلم بیست ماه طول کشیده و کارگردانش می‌گوید بهترین تصاویر موجود از حیات وحش ایران را در فیلمش ثبت کرده است

احمد رضا حجازی

am.mehr289@gmail.com

وقتی نام مستند به میان می‌آید، عموم مردم بی‌درنگ مستندهای حیات وحش را که به طور معمول از شبکه‌های تلویزیونی پخش می‌شود، به خاطر می‌آورند. این گونه از مستندها در تمام نقاط دنیا بیشترین هواداران و تماشاگران را دارد. در ایران نیز تعداد انگشت شماری از مستندسازان به شکل حرفه‌ای در این عرصه فعالیت دارند و تا کنون آثار دیدنی و قابل توجه‌ای تولید کرده‌اند. از جمله موفق‌ترین مستندسازان کشور، فرشاد افشین پور است که پیش‌تر با آثاری مانند «دنا»، «زندگی در قلب دنا» و «پرندگان در سرزمین برف و آفتاب» خود را به مخاطبان حرفه‌ای مستند شناسانده بودند. او امسال با «سفر به آمادای» در جشنواره سینما حقیقت حضور دارد.

## لطفا پیرامون فیلم جدیدتان توضیح دهید.

فیلم «سفر به آمادای» چهارمین فیلم من است که در جشنواره شرکت دارد. پیش از هر چیز باید بگویم «آمادای» به معنای محل تجمع مادهاست. این نام هشتصد سال پیش از میلاد مسیح در کتیبه «تیکلتسر اول» - پادشاه آشور - آمده و نخستین نامی است که به طور رسمی به این سرزمین اطلاق شده است. البته «همدان» در طول تاریخ نام‌های دیگری هم داشته است مانند امدانه و یا «هگمتانه» که همگی آنها به نسبت جدیدتر هستند. موضوع این فیلم تاریخی نیست و این نام زیبا بهانه‌ای برای آغاز یک سفر رویایی به این سرزمین باستانی است. باید گفت اگر چه آوازه این سرزمین به علت تاریخ کهن آنست لیکن جاذبه طبیعی و متنوع آن نیز از جایگاه مهمی برخوردار است. این استان از یکسو کوهی باشکوه بنام الوند با بلندی ۳۵۸۴ متر را در خود جای داده و از سوی دیگر دشت‌ها و بیابان‌های وسیع فلات داخلی ایران را در پیش روی خود دارد. این طیف وسیع زیستگاه‌ها که از مناطق مرتفع کوهستانی تا سرزمین‌های پست تغییر میکند فرصتی

کم نظیر برای حیات موجودات مختلف فراهم آورده تا تا بلوی سحرانگیز از حیات وحش در این گوشه فلات ایران ترسیم شود. **چطور شد که استان همدان برای ساخت فیلم انتخاب کردید؟**

خب من در مرکز سیمای استان‌ها با دو فیلم قبلی شناخته شده بودم و بر اساس نمره‌هایی که در ارزیابی سازمان کسب کردم و همین‌طور رتبه‌هایی که در دو جشنواره متوالی فجر و سینما حقیقت به دست آوردم، مورد توجه مدیران شبکه‌های مختلف استانی واقع شدم و از من دعوت به عمل آوردند که در آن استان‌ها فعالیت کنم. من پس از بازدید کوتاهی که از استان همدان داشتم متوجه شدم زمینه و استعداد قابل توجهی برای ساخت فیلم وجود دارد و به همین دلیل به پیشنهاد شبکه استانی همدان پاسخ مثبت دادم.

**در پروسه تولید، چقدر مطابق خواست و سلیقه سفارش دهنده پیش رفتید؟**

خیلی پرش خوبی بود. آقای میسر مدیر محترم صدا و سیمای



## A Journey to Iran's Wild Life

Farshad Afshinpour studies different, important species of Hamedan Province in 'Journey to Amadai'. It took about 20 months this full-length documentary to be made. The director claims that he has captured the best existing footage of Iran's wild life in his documentary to this day. When it comes to documentary, most people immediately remember the documentaries about wild life presented on different TV channels. This kind of documentary attracts a wide range of audiences all around the world. In Iran, there are also a handful of documentary filmmakers who professionally work in this field and have made some spectacular and remarkable works so far. Afshinpour especially believes in his recent work as a film which is comparable to its international counterparts. According to his own words, Afshinpour wants to become a credible documentary filmmaker of Iran.

■ نام فیلم: عمو اغلی  
■ کارگردان: علی جلالی  
■ درباره فیلم: عمو اغلی ها دو برادر بافنده قبل از انقلاب هستند که علی جلالی زندگی این دو هنرمند تاثیر گذار در قالی بافی معاصر ایران را سوزه فیلمش قرار داده. مستند بیشتر به نحوه تولید قالی هایشان توجه کرده و سعی شده نگاهی اجتماعی هم داشته باشد. عمو اغلی اولین مستند بلند علی جلالی است که پیش از این تجربه ساخت چند فیلم کوتاه داشته.



### تاثیر گذاران هنر قالی بافی معاصر

روایت علی جلالی از  
چگونگی ساخت عمو اغلی

وقتی پیشنهاد مستندی درباره ساخت قالی داده شد یک ماه به دنبال ایده برای ساخت مستند با این موضوع بودیم. در این مسیر متوجه شدیم قالی بافی مانند هنرهای دیگر یکسری هنرمند شاخص مانند نقاشی و مجسمه سازی دارد؛ از جمله عمو اغلی ها. آن ها هنرمندان شاخصی در تاریخ معاصر ایران هستند که حق شان به خوبی ادا نشده. عمو اغلی ها دو برادر بودند که یکی از آنها ۱۳۱۶ و دیگری سال ۱۳۳۶ فوت می کنند. ترک تبار بودند و بزرگ شده مشهد. به خاطر کیفیت کارشان مورد توجه دربار قرار می گیرند و برای خانواده پهلوی و آستان قدس رضوی فرش می بافند. به همین جهت تاثیر مهمی بر روی قالی بافی معاصر ایران گذاشتند. عمو اغلی ها فامیل دیگری داشتند. بعد از اینکه قالی باف های بزرگی می شوند برای خودشان یک اسم انتخاب می کنند و چون ترک بودند کلمه عمو اغلی را برمی گزینند که به زبان ترکی یعنی پسر عمو. اما در زبان ترکی یک لقب قابل احترام است و به بزرگان و اشخاصی که دارای شأن اجتماعی هستند نیز این کلمه اطلاق می شود. اطلاعات درباره عمو اغلی بسیار کم است و به همین دلیل مجبور شدیم چندین ماه در مشهد باشیم و درباره این دو برادر تحقیقات مفصلی انجام دهیم. خوشبختانه حاصل کار رضایت بخش است و امیدوارم سهمی در شناساندن این هنرمندان بزرگ داشته باشد. به نظر همه مخاطبان از تماشای فیلم لذت می برند چون مستقیماً با هنری از تباط دارد که ریشه اش در فرهنگ ما ایرانی ها است.

### مستندسازان ایرانی

مراحل تولد و پرورش توله ها و جوجه های این دو گونه را ثبت کنیم. حتی تصویری ناب که ممکن است در مستند دنیا هم سابقه نداشته باشد، رایه ثبت رسانده ایم. از جمله تصویر جدال دو جوجه عقاب و کشته شدن یکی توسط دیگری!...

**با توجه به اینکه در کشور ما ساخت آثار مستند شرایط دشواری دارد، آیا صرف مدت زمان ۲۰ ماه برای تولید یک مستند، کمی طولانی نیست؟**

۲۰ ماه کار برای ساخت یک مستند حیات وحش، زمان غیر معقولی نیست. اگر به فیلمساز های بزرگ دنیا مانند «دیوید آنتبرو» نگاه کنید متوجه می شوید که گاهی پس از سه یا چهار سال فیلم تولید می کنند. پس جای نگرانی نیست که تولید فیلم ما طولانی شده است. اگر فیلم در کمتر از این زمان ساخته می شد، باید به کیفیت آن شک کرد.

**فیلمتان در قیاس با نمونه های مشابهی که درباره محیط زیست و حیات وحش ساخته شده اند، از چه ویژگی های مهمی برخوردار است؟ در مقایسه با آثار مستند جهانی، مستند «سفر به آمادای» در چه سطح و جایگاهی قرار می گیرد؟**

من همیشه در مصاحبه هایم گفته ام عاشق آثار «دیوید آنتبرو» - مستندساز انگلیسی هستم که به اعتقاد من بهترین و کامل ترین فیلم های حیات وحش دنیا را می سازند. من ایشان را الگوی خودم قرار داده ام. اگر چه تا رسیدن فیلم هایم به استانداردهای بین المللی کمی فاصله وجود دارد اما با اطمینان به شمامی گویم که من و گروهم تمام نیرو و قدرت خود را ایسکار خواهیم گرفت تا در مستند حیات وحش ایران تحولی ایجاد کنیم. ما آرزوهای بزرگی داریم و تا نایل به آن از پای نخواهیم نشست. به گواه شاهد کارشناسان مختلف ما نخستین کسانی بوده ایم که طلسم نبود تصویر خوب حیات وحش را در ایران شکسته ایم و به این موضوع افتخار می کنیم. فکر می کنم در فیلم «سفر به آمادای» تصویری بسیار متفاوت تر از آنچه که تاکنون در سینمای ایران ثبت شده بدست آمده و نقطه آغاز تاریخی جدید و رویه جلوه در سینمای ایران محسوب خواهد شد. از این به بعد دوستان و همکاران مستندساز که می خواهند به سینمای حیات وحش ایران کمکی کنند، باید به این فیلم رجوع کنند و دیگر هیچ بهانه ای برای عدم انجام یک کار خوب وجود نخواهند داشت. آنها دیگر نباید بهانه کنند که مثلاً امکانات وجود ندارد و یا اینکه گناه را به گردن طبیعت مظلوم ایران بیندازند. این سرزمین یکی از بکرترین مناظر طبیعی دنیا را در اختیار دارد و جا دارد کارهای استاندارد و جهانی در خور و شان آن انجام گیرد.

مرکز همدان بنا به اطلاع قبلی، کاملاً با سبک فیلمسازی مورد علاقه من آشنا بودند و می دانستند تخصص من در ساخت فیلم های حیات وحش و معرفی تنوع زیستی مناطق مختلف ایران است. ایشان از دغدغه ها و اهداف ما به خوبی اطلاع داشتند و به همین خاطر دست ما را باز گذاشته و فضای مناسبی را برای اجرای ایده های ما مهیا کردند. البته ایشان پیشنهادها و توصیه هایی هم به ما ارائه نمودند. ایشان نقطه نظری پیرامون پرداخت توامان به سیمای طبیعی، جاذبه های گردشگری و تنوع زیستی استان همدان داشتند. مادر این جلسه ساعتی را به بحث نشستیم و هدف این بود که به این نتیجه برسیم، چگونه می توان ساختاری را برای فیلم تعریف کرد که هم تلوویزیونی باشد و سینمایی، یعنی در قالب هر دو قالب جای بگیرد و مورد استفاده مخاطبان هر دو گروه قرار گیرد. تا آنجا که وجه هنری فیلم اجازه می داد نظرات مدیر محترم شبکه را لحاظ کردیم.

**تولید «سفر به آمادای» از زمان آغاز پژوهش ها تا تدوین نهایی چقدر طول کشید؟**

فیلم از اسفند ۹۱ کلید خورد و پروسه ساخت آن تا مهر ماه ۹۳ به طول انجامید. یعنی ما ۲۰ ماه درگیر اجرای این پروژه بودیم. این فیلم بواقع یکی از سنگین ترین و پرخرج ترین فیلم های سینمای مستند ایران بوده است. کار تصویربرداری این فیلم ۱۲ ماه و مراحل نگارش متن و تدوین آن نیز هشت ماه به طول انجامیده است. خوشبختانه از همان ابتدای امر دوستان خوبی در همدان پیدا کردیم که ما را در جریان نتایج پژوهش های چندین ساله خود قرار دادند. اگر محبت ها و دلسوزی های آنها نبود معلوم نبود زمان ساخت فیلم چقدر طولانی تر می شد. برخی از آنها دانشگاهی بودند و بعضی دیگر طبیعت گرد. جادار داز جناب آقای مهندس محمد جعفر علیزاده که استاد دانشگاه آزاد و موسس موزه حیات وحش استان همدان هستند و در بخش تحقیق درباره پستانداران به ما کمک های فراوان کردند تشکر ویژه ای داشته باشیم. همچنین از دکتر آریا شغایی پور که پژوهش های مربوط به بخش پرندگان را بر عهده داشتند و نیز آقای محمد اصغری - هواشناس مشهور کشورمان سپاس ویژه ای داریم.

**چه ویژگی های بارزی در فیلم مستند شما وجود دارد؟**

در این فیلم تصاویر هوایی منحصر به فردی از طبیعت به نمایش گذاشته شده که تاکنون در هیچ فیلم ایرانی سابقه نداشته است. چیز دیگری که در فیلم ما دارای اهمیت است، این است که تا به حال تصاویر خوبی از گونه هایی مانند گرگ خاکستری و عقاب طلایی وجود نداشت و ما توانسته ایم تصاویر بسیاری خوبی از



■ نام فیلم: خورشید، باغ و پنجره  
 ■ کارگردان: سعید شاه حسینی  
 ■ درباره فیلم: «خورشید، باغ و پنجره» داستان یک روستا در حوالی اراک است؛ هزاوه، جایی که قدم به قدم انگور از شاخه می‌آویزد. بهشتی از انگور که به اندازه ارومیه انگورش شناخته شده نیست اما بیراه نیست اگر آن را شهر انگور بنامیم.



## یک میراث نهفته

«خورشید، باغ و پنجره»  
 به روایت سعید شاه حسینی

«خورشید، باغ و پنجره» مستندی درباره روستای هزاوه در حوالی شهرستان اراک در استان مرکزی است که بخش مهمی از اقتصاد مردمش با انگور می‌گذرد اما بیش از آن که درباره روستای هزاوه و محصول آن انگور باشد، به موضوع میراث فرهنگی نگاه دارد و اینکه مردمی که در این روستا زندگی می‌کنند، نمی‌دانند تاریخشان، ظرفیت و استعداد منطقه‌شان چیست. در واقع انگور محور اصلی این مستند نیست و تاریخ، اسطوره و میراث فرهنگی در آن نقش اصلی را بازی می‌کنند. «هزاوه» در نزدیکی شهر محل سکونت من یعنی اراک واقع شده است. همه می‌دانستیم که این روستا چه شرایط اقلیمی دارد و مدت زیادی بود که ذهنم درگیر فضای این منطقه بود. اما صرف معرفی یک روستا و محصولش یعنی انگور برای من جذابیت نداشت و دنبال چیز دیگری بودم. این منطقه در تابستان‌ها به یک بهشت تبدیل می‌شود و در زمستان‌ها بهشت از آن جا رخت برمی‌بندد و مردم بدون اینکه به چرخش زمان فکر کنند، سرخوشانه و بی‌فلسفه در این بهشت زندگی می‌کنند و از آن لذت می‌برند و در آن زندگی می‌کنند. این نوع نگاه مردم برایم جالب بود و در واقع کار را در بستر بومی شناسانه ساختم. به اعتقاد من آن چه در این روستای گذشته ظرفیت نهفته‌ای بود که هیچ وقت فعال نشده. انگور در دوران باستان جایگاه ویژه‌ای داشته است و شاید این محصول در روستای توانست به آیین‌های ویژه انگور بیانجامد که هیچ وقت این طور نشد. بخش مهمی از میراث ما میراث معنوی است که به آن بی‌توجهی می‌شود. در «هزاوه» هم این میراث معنوی وجود دارد اما به آن توجهی نمی‌شود؛ چند سال پیش جشن انگور به شکل رسمی برگزار شد که چون جوشیده از فرهنگ نبود، ماندگار نشد. مسئله اصلی فیلم هم این است که چرا مثلا در ارومیه که با انگورش شناخته می‌شود، آیین‌های مختلفی با محوریت این میوه برگزار می‌شود؛ اما در هزاوه هیچ آیینی متناسب با انگور شکل نگرفته است؟ هزاوه برای من موضوعی برای طرح مسئله کلی‌تر یعنی میراث فرهنگی است.

## مستند کوتاه



# سرسختی برای کسب علم

محمد رضا حافظی در مستند «لیر» ماجرای انتقال و برپایی یک مدرسه در منطقه‌ای صعب‌العبور در لرستان را به تصویر کشیده

زهر اعباسی  
 abbasi2222@gmail.com

شاید زیاد دیده باشیم عکس مدارسی که با کمترین امکانات در یک منطقه دور از شهر شکل گرفته‌اند و با چند دانش‌آموز سرپا هستند. یا مسیر رفت و آمد دانش‌آموزان یک روستا تا مدرسه‌شان، مسیری سخت و حتی خطرناک است. این عکس‌ها و یا حتی فیلم‌هایی در این باره اگر دیده باشیم همیشه تحسین‌مان را بر می‌انگیزاند که چه خوب، با این همه سختی هستند عده‌ای که به دنبال دانش باشند. اتفاقی مشابه این بار دست ما به ساخت یک مستند شده است؛ محمد رضا حافظی در مستند «لیر» مدرسه‌دار شدن یک روستای صعب‌العبور را نشان می‌دهد که تنها راه ارتباطی‌اش یک مسیر کوهپیمایی است. روستای کومیه جایی میان مرز لرستان و خوزستان است؛ روستایی که بعد از طی مسیر ماشین‌رو، برای رسیدن به آن دوروز کوهپیمایی لازم است.

### «لیر» به چه معناست؟

خانه سنگی. مستند «لیر» تلاش یک معلم عشایری را نشان می‌دهد که همراه با عشایر یک منطقه برای ساخت یک مدرسه اقدام می‌کند.

### ویژگی این منطقه چه بود که ساختن مدرسه‌اش جذاب به نظر می‌رسید؟

روستای کومیه در نقطه صعب‌العبوری قرار دارد که از آخرین محلی که ماشین‌های مخصوص کوهستان می‌توانند بروند، ۲-۳ روز کوهپیمایی لازم است و هیچ راه ارتباطی دیگری ندارد. مردم آنجا هیچ راه ارتباطی خاصی ندارند و به صورت کوچ‌عشایر با حیواناتشان در این مکان رفت و آمد می‌کنند. امکانات ارتباطی چون تلفن و تلغراف همراه‌دار دام‌راه ارتباطی خیر.

### شما چطور از این اتفاق باخبر شدید؟

من در آن منطقه بودم و به صورت اتفاقی این موضوع را متوجه شدم. کار انتقال مدرسه آغاز شده بود و اتفاق در حال رخ دادن بود و ناگزیر بودم از همان فرصت برای تصویربرداری استفاده کنم. فرصت اینکه بازگردم و وسایل بیشتر یا حتی عوامل راه همراه خود داشته باشم را نیز نداشتیم. به همین دلیل اتفاقات کاملا مستند شکل گرفت و تنها تأثیر من انتخاب زوایای دوربین بود و تلاش می‌کردم زوایای درستی را انتخاب کنم و به انتهای کار فکر می‌کردم.

### این منطقه در کجا قرار دارد؟

یک منطقه کوهستانی در مرز لرستان و خوزستان در منطقه الیگودرز. منطقه‌ای است پر از روستاهای با فاصله از هم که هر کدام چند خانوار دارند. روستایی که من در فیلم نشان می‌دهم ۱۷ محصل ابتدایی داشت و قرار بود قطعات پیش ساخته به آن برده شود و از میانه راه خود مردم آن را تحویل بگیرند و مدرسه را سرپا کنند. من هم در این مسیر و سختی‌های آن همراهشان شدم.

### به جز سختی مسیر چه ویژگی جالبی در این کار دیدید؟

برای من جالب تضاد بین عمل مردم و زندگیشان بود. ظاهر

زندگیشان را ببینید متوجه شوید که بسیار محروم هستند و به نظر ما می‌رسد که باید بیشتر به فکر قوت روزانه‌شان باشند اما دیدم که با اصرار به باسواد شدن بچه‌هایشان فکر می‌کنند. این ماجرا در خود یک تضاد داشت. تضادی که سرسختانه شکل گرفت برای من جالب بود که چطور این همه خودشان را آزار می‌دهند برای اینکه بچه‌هایشان درس بخوانند و چقدر این مسئله برایشان مهم است. می‌دیدم که آدم‌هایی که شاید هنوز صفات انسانی‌شان دستخوش ناملایمات شهری نشده است در منطقه‌ای بکر زندگی می‌کنند و صفات انسانی بکری دارند. روحیه مردم که صادقانه برای بچه‌هایشان زحمت می‌کشیدند برایم جالب بود.

## Passion for Knowledge

Mohamad Reza Hafezi tells the story of transferring a school to an impassible district in Lorestan Province. He puts emphasis on the Iranians' tremendous effort to gain knowledge and become literate. 'Lir' which mean stone house presents the efforts of a teacher who decides to build a school in a far village without any facility.



نیچه بلند  
مستند

## ABitter Innocence

Nava Rezvani wanted to take a step in order to save the little girls of this country who have no choice, unless to get married at an early age, through making a mid-length documentary named 'Dolls Do Not Know'. It is actually a universal problem which is usually seen in less-developed countries. Rezvani tells the story of children who are suddenly forced into the unknown world of marriage. Experts states that cultural, economic poverty and also their ignorance can lead into the early marriage of such kids. The director believes that these little girls have not become that much mature to build a healthy relationship with their husbands from different aspects.



Iranian Cinema

No.7 - Sat, 6th Dec - 2014

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

# از دواج تلخ در کمین دختران این سرزمین

نوا رضوانی با ساخت «عروسک‌ها نمی‌دانند» خواسته قدمی برای نجات دخترکانی که در سن پایین مجبور به ازدواج می‌شوند بردارد. او از این فیلم و ویژگی‌های آن می‌گوید

زهرا عباسی

abbasi2222@gmail.com

یکی از معضلات دنیای امروز ازدواج دختران و پسران و به ویژه دختران در سن پایین است که معمولاً در جوامع کمتر توسعه یافته شاهد آن هستیم. «عروسک‌ها نمی‌دانند» ساخته نوا رضوانی داستان کودکانی است که بدون آگاهی و هیچ شناختی به دنیای غریب ازدواج پرت می‌شوند. کودکانی که معصومیت‌شان آماج آسیب‌های فراوان جسمی و روحی قرار می‌گیرند و خود می‌توانند منبعی برای یک خلق یک آسیب اجتماعی در آینده باشند.

### نمایش زندگی ۲۰۲۰ قربانی

«عروسک‌ها نمی‌دانند» با تمرکز بر زندگی و سرنوشت دو قربانی، آسیب‌های روحی و روانی که بعدها متوجه این کودکان می‌شود را بررسی می‌کند: «فیلم درباره دو دختر ایرانی و افغانی است که در سن پایین ازدواج کرده‌اند و سرنوشت‌شان در دو اپیزود روایت می‌شود. یکی از این شخصیت‌ها این مرحله را پشت سر گذاشته است و یکی دیگر تازه وارد این مرحله شده است.» نوا رضوانی بعد از مشاهداتش از این اتفاق آن را سوژه فیلمش کرده است: «آمار این گونه ازدواج‌ها به ویژه در سال‌های اخیر افزایش قابل توجهی داشته»

### ریشه‌هایی یک معضل

کارشناسان معمولاً دو مسئله فقر اقتصادی و فرهنگی را دلیل اصلی ازدواج کودکان می‌دانند و محل وقوع چنین ازدواج‌هایی را بیشتر مناطق کمتر توسعه یافته معرفی می‌کنند. اما مسئله مهم دیگر به اعتقاد رضوانی خلا قانونی در این زمینه است؛ زیرا قانون به ولی کودک این اجازه را می‌دهد که بتواند او را در سن پایین به عقد مردی درآورد: «در بسیاری از مناطقی که محل شکل‌گیری بیشتر این ازدواج‌ها هستند، دریافت شناسنامه برای دختران کار ضروری نیست و بسیاری از افراد هستند که نیازی به دریافت شناسنامه نمی‌بینند. و از سوی

که نمی‌شناسد دچار دگرگونی می‌شوند. این دختران تا پیش از این از ارتباط با مردهای غریبه و صحبت با آنان برحذر داشته شده‌اند و به ناگاه با یک شوک عمیق روبه‌رو می‌شوند که باید تنها در یک اتاق با او سر کنند.»

### آسیب‌های یک اتفاق تلخ

مهم‌ترین آسیبی که رضوانی در قالب روایت سرنوشت شخصیت‌های مستندش به آن پرداخته است، مسئله روابط جنسی در این ازدواج‌هاست که متأسفانه کودکان هنوز به بلوغ و درکی از این اتفاق نرسیده‌اند و می‌توان این روابط را نوعی تجاوز توصیف کرد که جسم و روح کودکان را مورد آسیب‌های فراوان قرار می‌دهد. این کودکان با به زندگی تن می‌دهند و یا در مقابل آن حالت تهاجمی می‌گیرند که تنبیه‌های مختلف می‌تواند مجازات این حالت تهاجمی‌شان باشد. پایین آمدن اعتماد به نفس، تخریب شخصیت و آسیب‌های دیگر روحی و روانی و یا در ادامه فرار از خانه، پناه بردن به دامان اعتیاد و یا خیانت به همسر آسیب‌هایی است که انتظار این کودکان را می‌کشد و می‌تواند تبعات بسیاری برای جامعه نیز داشته باشد. رضوانی اما معتقد است بیش از هر چیز با ساخت مستندش خواسته گامی برای تغییر قانون در این باره بردارد. او امیدوار است این مستند به مجلس شورای اسلامی راه پیدا کند و نمایندگان مردم با دیدن آسیب‌های گفته شده راهی برای این معضل بیندیشند و سن ازدواج را حداقل به ۱۵ و یا در صورت امکان به ۱۸ افزایش دهند.

دیگر ازدواج‌های غیررسمی نیز بدون ثبت قانونی یکی از مواردی است که بسیار دیده می‌شود.»

### ناآگاهی قربانیان

رضوانی که حدود دو سال در گفت‌وگو با روانشناسان، مددکاران و سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در زمینه حمایت از زنان و کودکان در این باره تحقیق کرده است، بزرگ‌ترین آسیب این کودکان را ناآگاهی و عدم درک از مسئله ازدواج و زندگی زناشویی می‌داند: «شخصیت‌های مستند من و همچنین بسیاری از کودکان دیگری که درگیر ازدواج‌های زود هنگام می‌شوند، هیچ درکی از ازدواج نداشتند و می‌گفتند از خرید طلا یا لباس‌های نو خوشحال هستند اما وقتی پس از مراسم جشن به آن‌ها می‌گفتند که باید پیش پسر غریبه‌ای زندگی کنند

### بهترین شکل از عواطف زنانه

براساس آمار سالانه در ایران بین ۴۰ تا ۴۳ هزار ازدواج در سن ۱۰ تا ۱۴ ساله داریم که بخش زیادی‌شان دختر هستند. همچنین سالانه ۱۵ هزار دختر زیر ۱۹ سال نیز طلاق می‌گیرند و رتبه اول را در این آمار سیستان و بلوچستان به خود اختصاص داده است. این کارگردان ازدواج کودکان را به یک مبادله اقتصادی تشبیه می‌کند که در ازای آن خانواده دختر شیربها یا مهریه‌هایی با قیمت ۱۰ تا ۱۴ میلیون تومان دریافت می‌کنند و در واقع یک خرید و فروش اتفاق می‌افتد.

### اصل مطلب



پیوند سینمای  
قصه گو و مستند

من در روند ساخت «مردی روی سیم» از هر گونه تکنیک مستندسازی که بتوانم فکرش را کرد، استفاده کردم. تا جایی که می توانستم این تکنیک ها را در کنار یکدیگر به کار بستم و نتیجه نهایی کار به صورت تلفیقی از بیشتر متدهای مستندسازی از آب درآمد. بازسازی، تصاویر آرشیوی و جلوه های ویژه از جمله مواردی بودند که در روند ساخت این مستند به کار رفتند. از لحاظ تئوریک باید فیلم را در قالب گفت و گوهایی که فقط کله آدم ها را نمایش می دهد، می ساختم. اما مورد «فیلیپ پتی» فرق می کرد. از او خواستم به شکل عینی ادعاهایش را ثابت کند. بنابراین، تا آن جا که می توانستم از تمام امکانات یک فیلمساز مستند بهره بردم. موسیقی فیلم بسیار تأثیر گذار است و فقط محض طنین انداختن در پس زمینه اضافه نشده است. از سوی دیگر، بعضی ها عقیده دارند ریتم و ساختار «مردی روی سیم» اشتراکات زیادی با تریلرهای سینمایی دارد. اولین هدف من این بود که برای مخاطب نمایشی جذاب و تماشایی را به تصویر بکشم. نمی خواستم یک «مستند مسؤلانه» بسازم. می خواستم از طریق فرم اثر، دستاوردهای فیلیپ را به شکلی تمام عیار به نمایش بگذارم. من در گذشته فیلم های داستانی ساختم، اما وقتی کتاب زندگینامه فیلیپ را خواندم، به این نتیجه رسیدم که فیلم باید در قالب مستند ساخته شود. وقتی با خودش ملاقات کردم بیش از پیش به این مسئله ایمان آوردم. به گمانم مهم ترین دستاورد یک مستندساز در ارتباط با تجربه های گذشته اش این است که بعد از مدتی به ساختاری برای قصه گویی می رسد. از آن جایی که در روند ساخت مستند، فیلمساز با حوادث واقعی سر و کار دارد و می کوشد از دل همین حوادث واقعی، درام خلق کند، بنابراین پیدا کردن چنین ساختاری در مستندسازی امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. این موضوع به فهم فیلمنامه و کار کرد ساختار فیلمنامه کمک ویژه ای می کند، زیرا در مستندسازی، فیلمساز خودش را به آب و آتش می زند تا ساختار ایجاد کند. برای من دقیقاً همین جنبه مستندسازی است که در پیوند تنگاتنگ با ساخت فیلم بلند داستانی قرار دارد.

## یادداشت



کارگردان و مستندساز  
جیمز مارش

James Marsh

گزارش



## مستندسازی خارج از خانه

ورک شاپ تخصصی اووه یانسون، نماینده شبکه مستند اروپا (EDN) در دومین جلسه به موضوع «بازیگران کلیدی بازار مستند» اختصاص داشت

علی اکبردهبان

Dehban.cinema@gmail.com

دومین جلسه از ورک شاپ تخصصی اووه یانسون نماینده شبکه مستند اروپا در جشنواره بین المللی سینما حقیقت دیروز و هم زمان با ششمین روز جشنواره هشتمین برگزار شد. کارشناس و مستندساز اروپایی در این نوبت به معرفی «بازیگران کلیدی بازارهای بین المللی مستند» پرداخت و با ارائه تمرین های مؤثر شرکت کنندگان حاضر در ورک شاپ را به صورت عملی با مباحث مطرح شده آشنا ساخت. او با تمرکز بر مسائلی نظیر مزایای تهیه کنندگان محلی و سه مرحله کلیدی در جذب اسپانسرهای بین المللی در بازارهای خارجی جلسه تخصصی دیروز را هدایت کرد.

## معرفی فیلم های امروز



مسیر تاکسی  
Taxiway  
فرانسه ۲۰۱۳  
France 2013

«مسیر تاکسی» یک فیلم ۵۹ دقیقه ای است که قصه راننده تاکسی های مهاجر در خیابان های نیویورک روایت می کند. آلیشیا هریسون، کارگردان، نویسنده و فیلمبردار این مستند، با ایجاد فضای صمیمانه بین خودش و راننده تاکسی ها، حین گذر از خیابان ها و کوچه پس کوچه های نیویورک به قصه زندگی این مهاجران گوش می دهد. قصه هایی که علاوه بر ترسیم تصویری کلی از آینده آمریکا، خیلی دیگر از جنبه های زندگی شخصی آدم ها را به چالش می کشد. مستند هریسون، روایت جمعی آمریکایی ها و حدود حق انتخاب شان در زندگی است.

2



قانون متئو  
Matthe's Law  
هلند ۲۰۱۲  
The Netherlands 2012

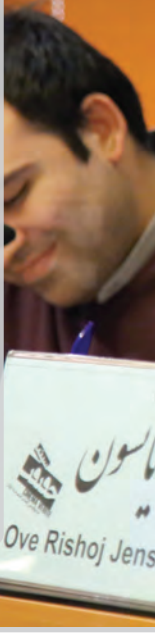
این مستند ۷۲ دقیقه ای را مارک اشمیت، فیلمساز هلندی، کارگردانی، نویسندگی و فیلمبرداری کرده است. اشمیت در این فیلم دوست دوران کودکی اش، متیو را به تصویر کشیده است؛ کسی که به علت ابتلا به اختلال اوتیسم، نامیدانه می کوشد هرچ و مرج و آشوب جهان پیرامونش را به نظم در آورد. کارگردان عمیق ترین و درونی ترین احساسات قلبی متیو را دنبال می کند. رویارویی های ویرانگر با جهان بیرون جایش را به مشاهده ظریف و اعترافات شخصی بخشیده است. این فیلم در سال ۲۰۱۲، جایزه بهترین مستند آکادمی فیلم اروپا را کسب کرد.

1



## Useful Tips & Strategies

The second session of EDN specialty workshops was held yesterday again by the presence of Ove Rishoj Jensen, film consultant and EDN's expert. In this session, Jansen talked on the subject of key player of international documentary markets. He emphasized that filmmakers should look for local producers in case they want to work abroad. Today, the last session is held, focused on the subject of how to reach a plot for documentaries.



### مزایای تهیه کننده محلی

اووه یانسون درباره دستیابی به مشارکت در کشورهای مختلف برای ساخت طرح فیلم مستند گفت: «برای فاند کردن (تأمین بودجه) در اماکن و کشورهای مختلف بهتر است که از یک تهیه کننده محلی استفاده کنیم. این مسئله طبیعی است که در قراردادهایی که با شبکه‌ها و دیگر کشورهای تنظیم می‌کنیم، ممکن است شرایط ویژه‌ای را در نظر بگیرند و بندهای قرارداد را کمی آن طور که به شرایط آنها نزدیک است و اهدافشان باید رعایت شود تنظیم می‌کنند. یکی دیگر از مزایای «تهیه کننده محلی» این است که به تمام ضوابط و روابط منطقه‌ای که قرار است در آن فیلمبرداری داشته باشید، آشناست و در گرفتن مجوزها کمترین زمان به هدر می‌رود.»

### سه مرحله کلیدی

او در ادامه با اشاره به موارد مهم دیگر در حوزه تولید اثر مستند گفت: «برای ساخت فیلم در کشورهای دیگر باید سه مورد را در نظر بگیریم. ابتدا یک تهیه کننده محلی است که به شرایط و

اوضاع آن منطقه اشراف داشته باشد، دوم استفاده از استعدادهای آن شهر است و سومین مورد این است که قرارداد با مسئول پخش داشته باشید.» نماینده شبکه مستند اروپا ادامه داد: «رسیدن به این سه مرحله بسیار کار سختی است اما باید بدانید زمانی که محقق شده به لحاظ مالی اتفاق خوبی خواهد افتاد.»

### نروژ؛ یک نمونه

یانسون با ذکر مثال از چند کشور در این رابطه گفت: «به طور مثال کشور نروژ انواع و اقسام بودجه‌ها را در اختیار دارد. مثلاً یکی از مواردی که این کشور برایش مهم است استفاده از استعدادهای بومی آن در فیلم‌تان است و یا این که در زمان ساخت فیلم در قسمت‌هایی مانند ساخت موسیقی و یا تدوین از افراد بومی باید استفاده شود.» او در ادامه افزود: «کشور آلمان هم یکی دیگر از کشورهای مطرح در زمینه ساخت مستند است. همان طور که می‌دانید آلمان نه قسمت مهم دارد که گاو این کشور را به نه منطقه مجزا و مهم تقسیم کرده است و همگی از یک قانون فدرال پیروی می‌کنند.»

### تفاهمنامه‌های مفید

او در ادامه کارگاه به توضیح شرایط فیلمسازانی پرداخت که کشور محل زندگی‌شان با کشورهای مایل به همکاری در ارتباط هستند و در نتیجه از شانس بیشتری برای گرفتن مشارکت برخوردارند: «برخی از کشورها با هم تفاهمنامه دارند مانند کانادا و فرانسه به دلیل شباهت‌های فرهنگی و زبانی در یک قرارداد با هم تصمیم گرفته‌اند برای فیلمسازهای یکدیگر بودجه‌هایی فراهم کنند تا در حقیقت با این روش همکاری فرهنگی گسترده‌تری داشته باشند. نکته بسیار مهم، این است که کشورهایی که در زمینه ساخت فیلم مستند همکاری مشترک دارند شرایطی را برای کشورهای غیراروپایی و آمریکایی در نظر گرفته‌اند که به تازگی آن را منتشر کرده‌اند و با خواندن آن در سایت‌های آن‌ها می‌توانید از شرایطشان آگاه‌تر شوید.»

### مشارکت تلویزیونی

یانسون در ادامه تأکید کرد: «تلویزیون‌ها برای همکاری مشترک شرایط متفاوتی را به نسبت بخش خصوصی و دولتی برای خودشان تنظیم کرده‌اند. همان طور که می‌دانید در کشورهای مختلف تلویزیون‌های محلی و ملی نیز وجود دارد که هر کدام از آنها به نوعی که برنامه‌ریزی کرده‌اند وارد همکاری خواهند شد. اما چیزی که بین همه آن‌ها مشترک است این است که در هنگامی که فیلمساز طرحش را به آن‌ها ارائه می‌دهد، آن‌ها قبل از هر چیز به مخاطب‌های‌شان فکر می‌کنند، مخاطبانی که اهمیت کلی دارند و از خود می‌پرسند: برای چه مخاطب ملی ما باید این فیلم را ببیند؟ و چه نفعی برایش خواهد داشت؟»

## Introduction to Films



روستای هدف  
The Targeted Village  
ژاپن ۲۰۱۳  
Japan 2013

میکامی چی، کارگردان و نویسنده این مستند ۹۱ دقیقه‌ای ماجرای مردم روستایی در اکیناوای ژاپن را روایت می‌کند. دولت ژاپن مردم روستای «تاکائی» را به دلیل مانع تراشی‌ها و سنگ اندازی‌های‌شان محکوم کرده است. روستاییان با ساخت سکوهای فرود هلی کوپتر در حاشیه محل زندگی‌شان مخالف هستند و در نتیجه تصمیم به مبارزه می‌گیرند. قصه این مردم تداعی‌گر استراتژی نظامی ایالات متحده در زمان جنگ ویتنام است. «روستای هدف» موفق به کسب دو جایزه در جشنواره بین‌المللی فیلم مستند پامگانا شده است.

# 4



ماهی دودی  
Smokin' Fish  
آمریکا ۲۰۱۲  
USA 2012

این مستند ۸۰ دقیقه‌ای حاصل همکاری مشترک لوک گریزولد-ترجیس و کوری مان در مقام کارگردان است. کوری مان یک تاجر دمدی مزاج است که با هر ترفندی شده می‌خواهد در آلاسکا درآمد کسب کند. او هر سال تابستان بساط کسب و کارش را برای مدتی تعطیل می‌کند و برای تفریح و استراحت به کمپ ماهیگیری قدیمی خانواده‌اش می‌رود. اما همه اینها بهانه‌ای است برای این که فیلم از تلاش او و اطرافیان‌ش برای حفظ پیوندشان با سنت‌های آمریکایی‌های بومی پرده بردارد.

# 3

## آهسته‌اما انسانی‌وزیا

گپی با داریو دی بلاسی  
مدیر بخش سینما  
موزه مردم‌شناسی ایتالیا

حضور هدی هانیگمان، ترولس لی، فاطمه کریمه سونیوسل، ایتسوشی کاواسه و سایر میهمانان سرشناس خارجی در ششمین روز جشنواره به فضای سینما فلسطین حال و هوای دیگری بخشید. میهمانان با حضور در میان جمعیت مشتاق به گفت‌وگو و تبادل نظر با مخاطبان علاقه‌مند و فیلمسازان، فعالان و دست‌اندرکاران حوزه مستند پرداختند. در این میان، یکی از کسانی که با دقت و حوصله به پرسش‌های اطرافیان پاسخ می‌داد، داریو دی بلاسی، مدیر بخش جشنواره فیلم مستند روبر تو ایتالیا بود. به همین بهانه سراغ او رفتیم تا نظرش را درباره سینمای مستند ایران و کم و کیف جشنواره سینماحقیقت جویا شویم. دی بلاسی درباره انگیزه‌اش برای سفر به ایران گفت: «به نظر من، ایران از جامعه بسیار پویایی برخوردار است و از نظر فرهنگی بسیار غنی است، برای همین همیشه دوست داشتم فرصتی دست بدهد تا به این کشور سفر کنم.» بلاسی که چهارشنبه گذشته در چهارمین روز برگزاری جشنواره هشتم نیز در میزگرد تخصصی بازار فیلم مستند حضور یافته بود، درباره آشنایی قبلی‌اش با جشنواره سینماحقیقت و آثار مستند ایرانی گفت:

«چندین سال است که به واسطه فیلمسازانی که آثارشان را به جشنواره ما ارسال کرده‌اند، با سینمای مستند ایران آشنایی پیدا کرده‌ام و امیدوارم فرصت تماشای آثار بیشتری از سینمای ایران را پیدا کنم.» مدیر بخش سینما موزه مردم‌شناسی ایتالیا ... در پایان صحبت‌هایش به توصیف ویژگی‌های بارز سینمای ایران و جهان بینی غالب فیلمسازان ایرانی پرداخت: «بزرگ‌ترین تفاوت سینمای ایران و غرب این است که متأسفانه تمرکز فیلمسازان غربی عمدتاً بر مسائل اقتصادی و تبلیغاتی است و سرعت حرف اول را می‌زند. به همین خاطر نیز به مسائل انسانی کمتر توجه می‌شود، درست به عکس فیلم‌های ایرانی. توجه سینمای ایران به مسئله انسانیت کاملاً مشهود است و با وجود ریتم کندتری که دارند، اما زیباتر به نظر می‌رسند.»

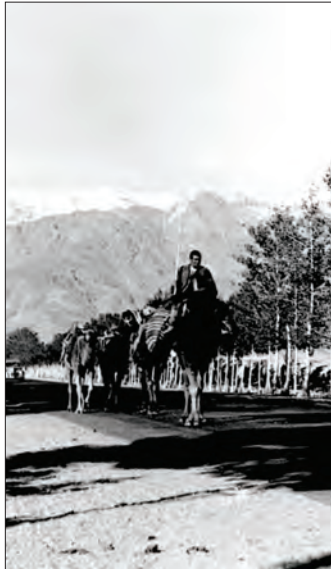




# چه کسی برنده می شود

نامزدهای دریافت جایزه جشنواره حقیقت معرفی شدند و در این میان «چنارستان» رکورددار است

کمتر از ۴۸ ساعت مانده به برگزاری آئین اختتامیه و معرفی برگزیدگان نهمین جشنواره بین المللی «سینماحقیقت» نخستین خروجی جلسات داوری آثار در قالب فهرست نامزدهای بخش های مختلف منتشر شد. فهرستی که در آن «چنارستان» با پنج عنوان رکورددار بیشتری نامزدی در بخش های مختلف شده است. در بخش مستند شهر و صنایع دستی و هنرهای سنتی، فهرست نامزدها اعلام نشد. بنابر اعلام روابط عمومی جشنواره دو جایزه ویژه دبیر جشنواره هم در بخش های مسابقه ملی و جایزه شهید آوینی اهدا خواهد شد. مراسم اختتامیه هشتمین دوره جشنواره بین المللی سینماحقیقت، از ساعت ۱۸ عصر یکشنبه ۱۶ آذرماه ۱۳۹۳ در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار خواهد شد.



بختک (محمد کارت)، جایی برای زندگی (محسن استادعلی) من می خوام شاه بشم (مهدی گنجی)

### نامزدهای بهترین پژوهش:

ابرها در راهند (مهدی فارسی)، چنارستان (هادی آفریده) خرابات (آرش اسحاقی)، سفر به آمادای (دکتر آریا شفتائی پور) سیاه چاله (مهدی چلانی)، شش قرن و شش سال (مجتبی میرتهماسب)

### نامزدهای بهترین تصویر برداری:

آتلان (محمد لطفیان)، اهالی خیابان یکطرفه (رضا تیموری) حیات در رگ های سرد (مهدی نورمحمدی و محمود منصوری) سیاهان جنوب ایران (رضا تیموری)

### نامزدهای بهترین صدا برداری:

آتلان (طاہر پیشوایی)، جایی برای زندگی (شاهین پورداداشی) چنارستان (حسن شبانکاره)، حیات در رگ های سرد (فرزاد جعفریان، مجید محمد دوست)، سفر به آمادای (پویان باشتی منفرد)

### نامزدهای بهترین تدوینگر:

آتلان (معین کریم الدینی)، آقای بیکار (علی همراز)، جایی برای زندگی (بابک حیدری)، چنارستان (حمید نجفی راد) عروسک ها نمی دانند (نوارضوانی)

### نامزدهای بهترین نویسنده گفتار متن:

آقای بیکار (علی همراز)، اتاق جنگ (مصطفی حریری) چنارستان (هادی آفریده)، عیار مشروطه (مسعود اعرابی)

### نامزدهای بهترین فیلم تهیه کننده:

ابرها در راهند (محمدعلی فارسی)، جایی برای زندگی (محسن استادعلی، نسرين عبدی)، چنارستان (هادی آفریده)، حیات در رگ های سرد (فتح الله امیری) شش قرن و شش سال (مجتبی میرتهماسب)

### بخش جایزه شهید آوینی

#### هیأت داوران:

محمد رضا جعفری جلوه، محمد داوودی و امیر خوراکیان  
تعداد آثار داوری شده: ۲۲ فیلم

### نامزدهای بهترین فیلم کوتاه:

آشنای غریب (مصطفی شبان)، مالکیه (محمدباقر شاهین)، میراث مجید (مصطفی آتشمرد)، و آزادی (لعیا عباس میرزایی)

### نامزدهای بهترین فیلم نیمه بلند و بلند:

ابرها در راهند (محمدعلی فارسی)، اتاق جنگ (مصطفی حریری)، پیروزی (حمید کوهپایی)، چه کسی ما را کشت؟ (محمد حسین جعفریان)، زمان به وقت موسیو ستیون (محمود کریمی)، وقتی گنجشک ها جیغ می کشند (خلیل رشنوی)

### بخش مسابقه ملی

هیأت داوران: دکتر احمد ضابطی جهرمی، محمد رضا مقدسیان، دکتر حبیب احمدزاده، مصطفی رزاق کریمی، سعید ابوطالب، رامین حیدری فاروقی و محمد شیروانی  
تعداد آثار داوری شده: ۱۱۸ فیلم

### نامزدهای بهترین کارگردانی فیلم مستند کوتاه:

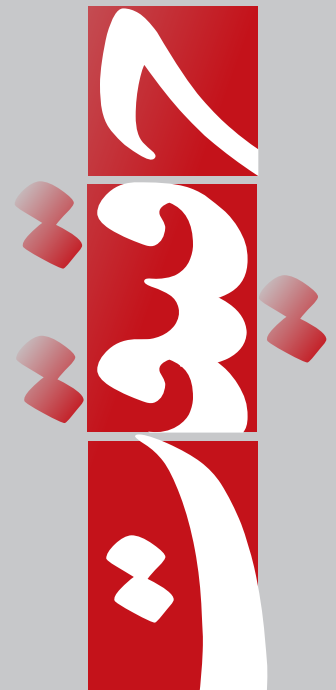
آشنای غریب (مصطفی شبان)، اینجا چراغی روشن است (کاظم حسینی)، داروی کشنده (امیر تاجیک)، قاشق (جلال ویسی)، لیر (محمد رضا حافظی)، مالکیه (محمدباقر شاهین)

### نامزدهای بهترین کارگردانی فیلم مستند نیمه بلند:

آقای بیکار (علی همراز)، روی زیر زمین (ماهان خمایی پور)، عروسک ها نمی دانند (نوارضوانی)، فراتر از رنگ (مریم سپهری)، می لادو (فاطمه طوسی)

### نامزدهای بهترین کارگردانی فیلم مستند بلند:

آتلان (معین کریم الدینی)، ابرها در راهند (محمدعلی فارسی)،



نشریه روزانه هشتمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران  
زیر نظر روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند تجربی

- مدیر مسئول: محمد مهدی طباطبایی نژاد
- سر دبیر: آرش خوشخو
- دبیر تحریریه: وحید سعیدی
- مدیر هنری: محمد نیاتی نژاد
- دبیر اجرایی: مرجان فاطمی

- سینمای ایران: احمد رنجبر
- بخش بین الملل: آیدا تدین
- بخش خبری: محمد صابری
- بخش عکس: حامد خورشیدی

- تحریریه: محمد صادق شایسته
- احمد رضا حجاززاده، زهرا عباسی
- آزاده باقری، شیما انتظاری
- بنت الهدی صدر و علی اکبر دهیان

- عکس: حامد بارچیان
- هدیه میرحسینی و علیرضا تقوی
- صفحه آرایی: بتسابه کرم پور
- حروف نگار: مسعود عسگری
- ویرایش عکس: امیر علیزاده
- ویرایش و تصحیح: مهری فدایی مقدم

- باسپاس فراوان:
- محمود کلاری، رخشان بنی اعتماد
- و علیرضا قاسم خان

- با تشکر از همراهی:
- محمد حمیدی مقدم و علی اصغر لشنی